



ف
ا
ص
ل
ه
ه
ا
ر
ا
ر
ع
ا
ی
ت
ک
ن
ی
م



ک
ل
م
د
ا
ن
ش
ج
و

ایستاده بکشتی و ادا بشکنینو لیجی خاطر بقه خودتونر و هاد بشکنین

بس یج دان شج وی ال غدی ردان شک اه آزاد اس ل ام ی واح دب اد رود



گلدردانش

صاحب امتیاز و مدیر مسئول و سردبیر: زفرہ کبر الہی بادی

دبیر سرپرست مقالات: علی اسدیان بادی

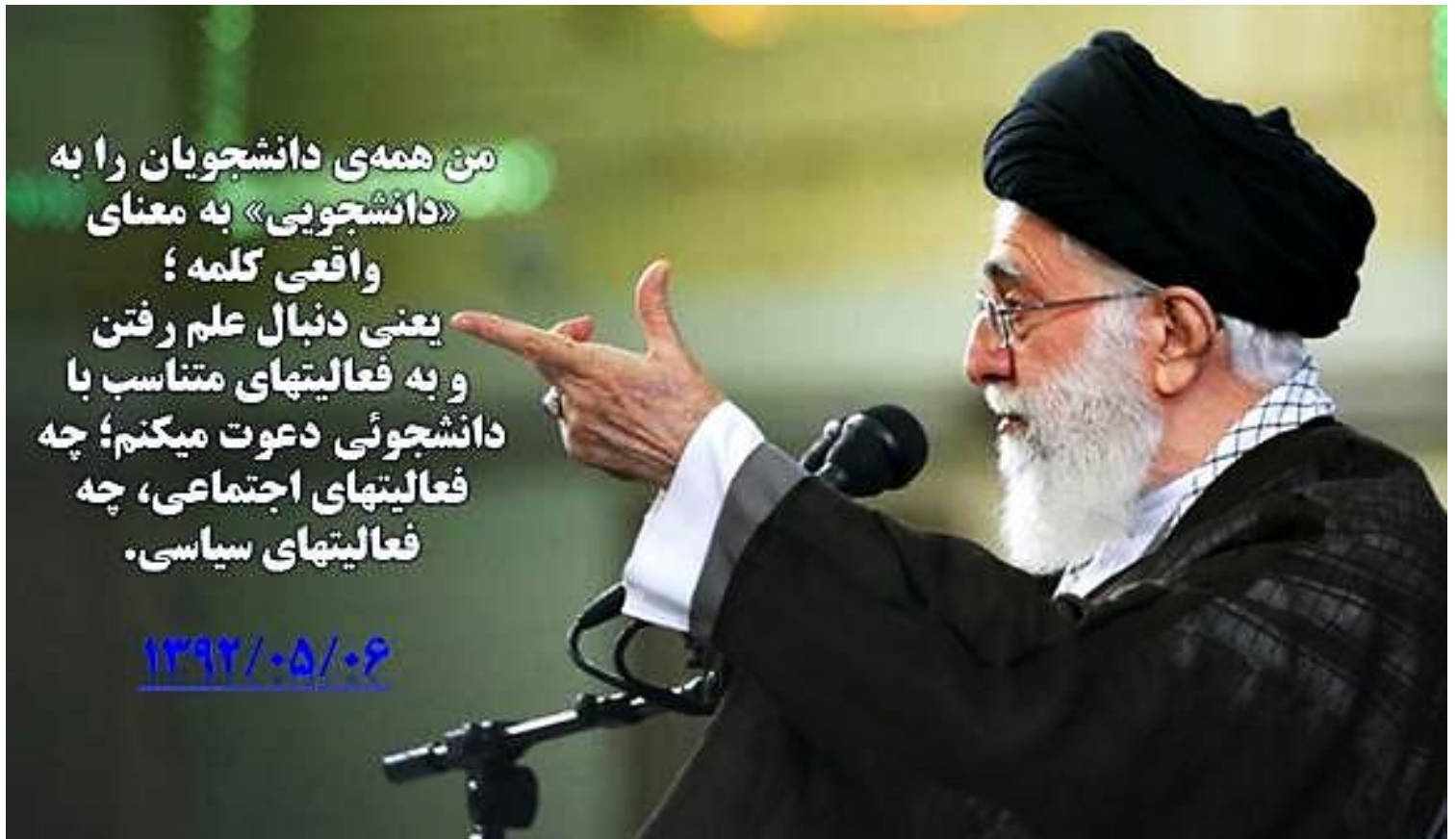
دبیر سرپرست فنی: فاطمہ فہری

دبیر سرپرست اخبار و تازه‌ها: زہرا رمضان

دبیر سرپرست طنز: ابوالفضل حوائجی

ماہنامہ: بامکار

شعبہ: نشر و اشاعت
کانون: دانشجوئی
شمال احمدیہ سلامت



من همه‌ی دانشجویان را به
«دانشجویی» به معنای
واقعی کلمه ؛
یعنی دنبال علم رفتن
و به فعالیتهای متناسب با
دانشجویی دعوت میکنم؛ چه
فعالیتهای اجتماعی، چه
فعالیتهای سیاسی.

۱۳۹۲/۰۵/۰۶



جملات طلایی از رهبر انقلاب درباره دانشجو

باید همت شما این باشد که در دنیا به وضعی برسیم که اگر
کسی بخواهد به تازه‌های علمی دست پیدا کند، مجبور باشد
زبان فارسی یاد بگیرد. ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

من همه‌ی دانشجویان را به «دانشجویی» به معنای واقعی
کلمه - یعنی دنبال علم رفتن - و به فعالیتهای متناسب با
دانشجویی دعوت میکنم؛ چه فعالیتهای اجتماعی، چه
فعالیتهای سیاسی. ۱۳۹۲/۰۵/۰۶



صفحه ۵ سخن مدیر مسئول

خبر: تزریق واکسن کرونا صفحه ۱۹

صفحه ۸-۶ مقاله: جنس و جنسیت

مقاله: درمورد ازدواج بیشتر بدانیم..... صفحه ۲۱-۲۲

صفحه ۱۰ و ۹ حقوقی که برای زنان نیست

دنیای مجازی واقعی صفحه ۲۲

صفحه ۱۱ چرا مردان باید از حقوق زنان دفاع کنند!؟

آلکسیتیمیا..... صفحه ۲۳

صفحه ۱۲ معرفی فیلم

ایران گردی صفحه ۲۴-۲۷

صفحه ۱۳ خبر: ماجرای عرق سرد بار دگر اتفاق افتاد

معرفی چند شهداء بادرود صفحه ۲۸-۲۹

صفحه ۱۴ تناقض

مقاله: هفت اصل اساسی جمعیت هلال احمر..... صفحه ۳۰-۳۱

صفحه ۱۵ پازل های سازنده تباهی

بی پرده صفحه ۳۲

صفحه ۱۶ اعتیاد جرم نیست بیماری است

معرفی کتاب..... صفحه ۳۳

صفحه ۱۷ کسانی که قصدشان فضولی نیست بخوانند

مسابقه مسابقه صفحه ۳۴

صفحه ۱۸ کرونا با ما چه کرد؟!

سخن مدیر مسؤل

به نام آن که هستی نام از او یافت
فلک جنبش، زمین آرام از او یافت
خدایی کافرینش در سجودش
گواهی مطلق آمد بر وجودش
سلام

در ابتدا سال نو رو پیشاپیش بهتون تبریک می‌گم و امیدوارم سالی پر از شادی و تندرستی و اتفاقات خیلی خوب در کنار عزیزتون داشته باشین و جا داره ازتون بخاطر اینکه نشریه ما رو برای خواندن انتخاب کردین تشکر کنم، خیلی خیلی خوشحال مون کردین و امیدوارم که مورد پسند شما خواننده‌های عزیز قرار بگیره و باعث بشه برای نشریه‌های بعدی مون با انرژی خیلی خیلی بیشتری تلاش کنیم. راستش ما از اون نشریه‌هایی نیستیم که مدام از خودمون یا از شما تعریف کنیم، شورشو در نیاریم و مختصر و مفید کلام خودمون و شما رو به گوش مابقی دوستان و مسئولین می‌رسونیم.

بالاخره هر چی نباشه پیرو مردم و مسئولین و خطوط اخلاقی و رفتاری اونا هستیم. ماها هم مثل اونا شور هیچی رو در نیاریم، حالا از سیاست و مذهب و فرهنگ بگیر تا انواع تفریحات و خوراک و پوشاک و حتی درس!

اگه بخوایم از سیاست شروع کنیم که همیشه و همین‌جا قبل از شروع باید از پیشگاهتون خداحافظی کنیم؛ پس ترجیح می‌دیم زبان سرخ را با میخ بر سقف دهان بکوبیم و به موضوعات بعدی اشاره کنیم. امیدوارم همین‌جور که تا چند روز آینده به قرن جدید رو شروع می‌کنیم، عید امسال دوستان عزیز دست از فضولای عیدانه‌ی قرن قبل بردارن و قرن جدید رو با "سرمون تو زندگی خودمون باشه" شروع کنیم و مراقب باشیم با رمز عملیاتی "یه وقت فضولی نباشه" از زیر زبون مون حرف بیرون نکشن.

البته با وجود کووید ۱۹ داریم دومین سال نو متفاوتی رو تجربه می‌کنیم که اصلاً خوش‌آیند نیست و اون شور و هیجان هر ساله از بین رفته؛

ازتون خواهش می‌کنم برای اینکه عیدهای بعدی رو همین‌جوری پشت سر نزاریم، عید امسال بیشتر از سال قبل تحمل کنیم و #تو_خونه_بمونیم و عید بعدی رو همه با واکسینه شدن بترکونیم، یا نه! می‌تونیم مراعات نکنیم و کرونا مار و بترکونه! یادمون نره اگه جمع بشیم، کم می‌شیم!

یه ضرب‌المثل داریم که میگه "عقل سالم در بدن سالم" هر چند از نظر شخص بنده هر چیزی یه مثال نقضی هم داره؛ مثلاً افرادی رو داریم تو جامعه که بنده خداها سالم الجسمنا ولی ناسالم العقلن؛ بعد حالا عشقاییم داریم که خیلی ادعای سلامت روان و سلامت دینشون می‌شه، واسه تثبیت خودشون به مردم از چند شخصیتی شدن بهره می‌برن.

می‌پرسید چجوری؟! عرض می‌کنم خدمت‌تون مثلاً مخالف صددرصد هر گونه استادیوم، کنسرت، کنسرو و سایر خوراکی‌های جلف برای خانوما و علی‌الخصوص برای خانوما هستند؛ حالا اگه گفتید اینا چکار می‌کنن؟!!!

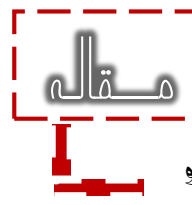
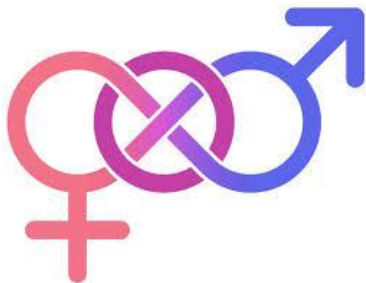
همچنان عرض می‌کنم خدمت‌تون که این عشقا میان به اون بنده خداها ناسالم العقل رو میان و اینقدر خودشونو به این طفلکی‌ها آویزون می‌کنن که ما نگرانیم بعد رسیدن به هدفشونو وقتی شور این موضوع طرفداری و تثبیت رو در آوردن، خودشون برای خودشون و اون عزیزان ناسالم العقل حکم ببرن حالا ما راضی به زحمتشون نیستیم بالاخره هر چی نباشه ایشونم علایقی داشتن و احترام به عقاید همه هم واجبه منتها چون دوستان خیلی خجالتی تشریف دارن تا حالا روشون نشده عنوان کنن، ما نباید خدایی ناکرده بزایم به حساب

دورویی و این حرفا...
انشالله خدا همه رو هدایت کنه از جمله ما و علی‌الخصوص ما...

جا داره عرض کنم با وجود کویید ۱۹ یا همون کرونا ویروس در حال حاضر حضور این عشقا توی جامعه خیلی خیلی کم، کم رنگ شده؛ ولی دمش گرم بجاش سطح نمرات رو بالا برده جویری که اگه کنکورم مجازی بشه بدون شک باید سه دانشگاه صنعتی شریف تاسیس کرد حتی به غلط!! واقعاً باید به کرونا یه دستمیزاد ویژه گفت؛ که حتی آمار ازدواج رو هم بالا برده از اونجایی که همه نگران سلامتشون هستن دیگه نیازی به عروسی‌های مجلل و یا حتی عروسی نیست و همین مسئله، کوله باری از هزینه رو از دوش عروس و داماد برداشت و نهایتاً از طریق ویدیوکال یا همون تماس تصویری (فارسی را پاس بداریم) و یا از هر برنامه‌ی مجازی به کبوترای عاشق تبریک می‌گن...

گفتم مجازی یاد دنبال کننده‌ها و دنبال شونده‌هامون تو فضای مجازی افتادم چقدر خوب بلدن خودشون باشن؟! یا چقدر خوب بلدن شور خیلی چیزها رو در نیارن؟! یه دوستی داشتم فقط و فقط اون استثنا بود می‌گفت من اصولاً هر خوراکی که نوش جانم می‌کنم چون کم نمکه مجبور هی عکسشو بزارم اینستا که کمبود نمکش جبران شه یه جورایی میشه گفت معتاد شده بود حالا چه فرقی میکنه اعتیاد به فضای مجازی باشه یا مواد مخدر؛ گفتم مراعات این دوست استثنایی مون رو هم کرده باشیم و خدایی نکرده قضاوت نشده باشه بالاخره می‌گم هر جایی یه استثنا هست وگرنه بقیه که خداروشکر همه اساتید میانه روی و معتدل

و در انتها خدا را سپاس می‌گوییم از این مردم و مسئولین و دولت مداران فرهیخته و معتدل و صادق.
باشد که رستگار شویم...



ابتدا با مفهوم جنس و جنسیت آشنا شویم

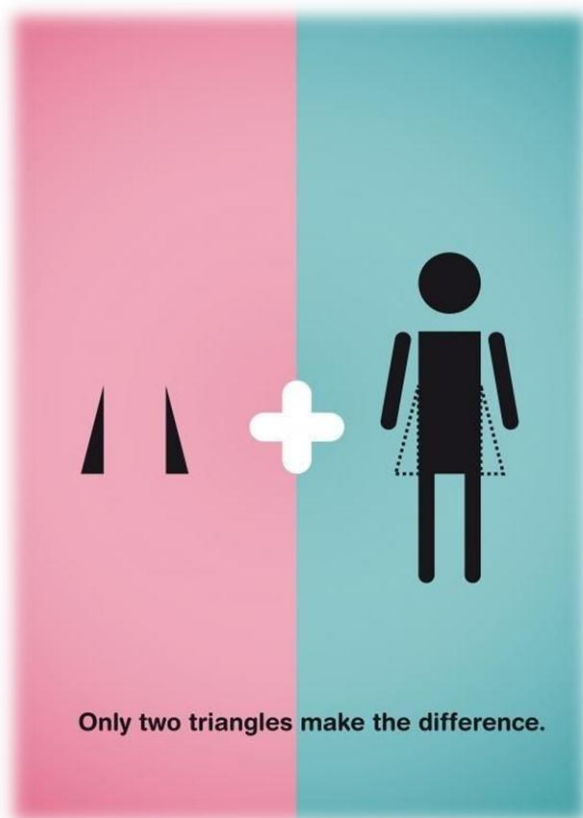
گاهی ما جنس و جنسیت را به یک معنا به کار می‌بریم در حالی که معنای متفاوتی دارند.

مفهوم جنس مربوط به آرایش بیولوژیکی بدن است و مفهوم جنسیت مجموعه‌ای از نقش‌های اجتماعی، رفتارها و ویژگی‌های شفقی و روانی است که فرهنگ جامعه برای جنس‌ها تعیین می‌کند. هویت جنسیتی نوع نگاهی است که افراد نسبت به جنس خود (زن و مرد) دارند. و یک مفهوم روانشناسی و در نتیجه معیاری ذهنی است. هویت جنسیتی یک طیف پیوسته‌ای است و فضای میانی را افراد دو جنسیتی یا غیره پر می‌کنند و جامعه از هر یک افراد انتظار دارد که خودش را در یکی از دو قطب این محور زن و مرد جای دهد. نقش جنسیتی مجموعه‌ای است از رفتارها و کلیشه‌های جنسی که جامعه و فرهنگ از هر جنس انتظار دارد، به طور مثال: زنانگی و مردانگی که بر اساس این کلیشه‌ها افراد با اندام‌های جنسی مردانه، مرد هستند و باید رفتارهای مردانه (قدرت، فشنونت) داشته باشند و افراد با اندام جنسی زنانه، زن هستند و باید رفتارهای زنانه (لطافت، مهربانی) داشته باشند.

جنس افراد در هر فرهنگ و جامعه‌ای ثابت است اما جنسیت است که نقش جنسی را مشخص می‌کند.

فصوصیت‌های جنسی در زنان و مردان به اندام‌های آن‌ها کارکردهای متفاوتی می‌دهد و تفاوت‌های جنسیتی که در شفصیت افراد نمود پیدا می‌کند را محیط و شرایط اجتماعی تعیین می‌کند نه زن‌ها.

در جهانی که جنس دیگر تعیین‌کننده رفتار جنسی نیست و جنسیت افراد به بدن آن‌ها بلکه به شرایط روانی و مادی‌ای که در آن پرورش یافته‌اند بستگی دارد، زنانگی و مردانگی تعاریف تثبیت شده‌ی خود را از دست می‌دهند و بی‌معناتر می‌شوند و این روند که سرانجام به برابری دو جنس و از بین رفتن تمام و کمال مفاهیمی چون مردانگی و زنانگی در جامعه فوادر انجامید.



Only two triangles make the difference.

جنس و جنسیت

با مفهوم جنس و جنسیت آشنا شدیم و حال می‌فواهم از شما یک سوال بپرسم: آیا این درست است که بین دو جنس (مرد و زن) تفاوت‌هایی رو به وجود بیاوریم و زندگی را برای یک جنس (مرد) آسان و برای جنس دیگر (زن) معنایی دیگر ببخشیم؟
اصلا چرا باید فرق گذاشت؟
چرا باید جامعه به دو چشم متفاوت به دو جنس نگاه کند؟



چرا؟
چرا؟
و چرا؟

به راستی مقصود کیست؟
همه‌ی ما!
این رفتار ما دست نشاندگی افکارات فرسوده‌ایست که نیاکان ما بر جای گذاشتند و ما بدون لفظه‌ای تفکر آن را پذیرفته و عمل می‌کنیم
به راستی این رفتار ما از چه چیزی نشأت می‌گیرد؟

همه‌ی این فرق‌ها و تفاوت‌ها و نابرابری‌ها ریشه در گذشته دارد؛ نسلی که از هر لحاظ محدود بوده‌اند و یک‌سری باورهای غلط را بدون دلیلی منطقی رواج داده‌اند و نسل‌های بعد از آن‌ها بدون چون و چرایی آن را قبول و پیروی کردند و پوچ این باورهای پوچ را نه تنها نسل خودشان بلکه نسل حال و آینده فورند و فوهند فور و عجب که هنوز باور ندارند...
برابری جنسیتی باید از فانه شروع شود؛ تا وقتی در فانه‌های مان بین دخترانمان و پسرانمان فرق می‌گذاریم نافود آگاه رد پای عمیق نابرابری را بر جامعه می‌گذاریم؛ برای پسرانمان عروسک بفریم برای دخترانمان ماشین و تفنگ بفریم به پسرانمان یاد بدهیم هیچ‌گونه برتری نسبت به دختران ندارند
به دخترانمان یاد بدهیم هیچ چیزی از پسران کم ندارند
به پسرانمان یاد بدهیم با متک انداختن با نمک، بامزه، با شعور و با فرهنگ نمی‌شوند
به دخترانمان حرف زدن را یاد بدهیم به پسرانمان غیرت را یاد بدهیم

به دخترانمان مستقل بودن را یاد بدهیم به پسرانمان حیا را یاد بدهیم...
چرا باید وقتی صحبت از کارهای فانه به میان می‌آید وظیفه‌ی دخترانمان برانیم؟
چرا بر خلاف پسرانمان، دخترانمان حق فوش‌گذرانی با دوستان‌شان را ندارند؟
چرا در مقابل اشتباه پسران بر فوردی صورت نمی‌گیرند ولی دختران را برای هر اشتباه کوچکی سرزنش می‌کنند؟
به راستی سربازی چه تاثیری بر روی پسران دارد؟
چرا می‌گویند رانندگی پسران بهتر از دختران است؟
چرا حتی در قوانین این نابرابری‌ها به وضوح دیده می‌شود؟
چرا حق انتقاب را از دختران گرفته‌ایم؟
چرا هیچوقت به پای حرف‌های‌شان ننشستیم؟
چرا مهر سکوت را با "دختر باید حیا داشته باشد" بر دهان دختران کوبیدیم؟ مگر پسر نباید حیا داشته باشد؟
چرا به زنی که همسرش فوت شده می‌گوییم بیوه ولی به مردی که همسرش فوت شده نمی‌گوییم بیوه؟
چرا مدرام گفتیم هیس! تو دختری

به راستی چه باید کرد؟ چگونه باید به این نابرابری فاطمه داد؟
تنها و تنها باید از فودمان شروع کنیم جمله‌ای بسیار کلیدش‌ای اما واقعی!
هر یک از ما دومینوهایی هستیم که حرکت ما هر چند کوچک می‌تواند تاثیر بزرگی را در جامعه بگذارد.
هیچوقت برای آغاز دیر نیست فودمان زنانه مردانه کردیم فودمان هم باید آستین همت را بالا بزنیم و عدالت را برقرار کنیم
زمان افکار و باورهای پوچ به پایان رسیده دیگر زن به مانند گذشته موبودی ضعیف شناخته نمی‌شود
به راستی آیا همین که او از نظر پشه ضعیف‌تر از جنس مذکر است یعنی نمی‌تواند نقشش را در جامعه ایفا کند؟
چه این قانون آشناست؟ آری این قانون جنگل است؛ جنگلی که در آن موبوداتی زندگی می‌کنند که اگر هر کدام از دیگری پشه بزرگتری داشته باشد بر او پیره می‌شود؛ آیا به راستی ما هم که انسان هستیم باید این قانون را به کار بگیریم؟ چه فوب است گاهی اوقات به این موضوعات هم فکر کنیم...
به راستی انسانیت چیست؟!!

زنی که تنها با فرزندانش زندگی می‌کند بی‌سرپرست نیست مایه افتخار است

زنی که با شما ازدواج کرده اسمش منزل بیه‌ها خانه عیال نیست همسر است

زن زن است قائم است بانو است فواهر یا مادر است ولی ضعیفه نیست مردی که به حرفای زنش گوش می‌کند زن ذلیل نیست عاشق است

مرد یا زنی که به کسی چیز همسر خود کسی نگاه نمی‌کنند بی‌بغار نیستند، متعهور هستند

و....

پياموزيم؛

روح مفردیت ندارد

لباس‌ها جنسیت ندارند

شغل‌ها جنسیت ندارند

افکارها جنسیت ندارند

علایق جنسیت ندارد

استعداد جنسیت ندارد

حسن فوب جنسیت ندارد

ورزش جنسیت ندارد

شاری جنسیت ندارد

فنده جنسیت ندارد

رقص جنسیت ندارد

آواز جنسیت ندارد

دوپرفه سواری جنسیت ندارد

آزادی جنسیت ندارد

آرامش جنسیت ندارد

و هیچ چیز جنسیت ندارد

و در پایان یک سوال از شما دارم؛

آیا با این تبعیض و نابرابری موافق

هستید؟

اگر جواب شما مثبت است تسلیم

می‌گویم مغزتان فواب است بیدارش

کنید تا ضد انسانیت نباشید.



دفتري که موهايش کوتاه است چیست؟
آخرین! دفتري ست که موهايش کوتاه است

و پسری که گریه می‌کند چیست؟
پسری ست که گریه می‌کند
بیايد دور از تمام جنسیت‌ها زندگی کنیم...

بیايد فرهنگ لغتمان را اصلاح کنیم!
یاد بگیریم...

زنی که بلند می‌فندد بی‌هیا نیست، سرزنده است
زنی که حقوقش را بفوهد و بگیرد چشم

سفید نیست، آگله است
زنی که هیچ‌گونه مزاحمت و آزار را
بر نمی‌تابد بدکاره نیست، آزاده است

زنی که تنها به سفر و راه‌های دور و دراز
می‌رود ول نیست، پوهان‌دیره است
مردی که گریه می‌کند لوس نیست احساس

دارد
زنی که طلاق گرفته مطلقه نیست، مجرد است
زنی که شوهرش مرده بیوه نیست مجرد

است
دفتري که ازدواج نکرده ترشیره نیست مجرد است
دفتري که نامزدی‌اش به هم فورده دست

فورده نیست دل شکسته است
زنی که ظاهر جذابی دارد پیگیر یا هلو نیست
زیبا است

مردی که حرف‌هایش را به مادرش می‌زند
بیه‌ننه نیست وفادار است

آیا انسانیت را به معنایی درست تعبیر کرده‌ایم؟

به راستی ما که ۴۰ از انسانیت می‌زنیم، تا چه اندازه به حقوق زنان در جامعه احترام می‌گذاریم؟

پرا وقتی زنی می‌فواهد نصف شب از خانه‌اش به جایی برود، باید هزار و یک نگرانی بابت اتفاقاتی که قرار است در مسیر برایش بی‌افتد، داشته باشد؟

گاهی باید دیدمان را بازتر کنیم. در کنار جنس مذکر، جنس مونثی هم وجود دارد که حق زندگی کردن دارد و نباید این حق از او گرفته شود؛ قبل از جنسیت‌مان ما یک انسان هستیم...

بیايد از امروز شروع کنیم و این نابرابری را به حداقل برسانیم و انسانیت را به معنای واقعی‌اش نزدیک‌تر کنیم...

براینم با جملات:

"صورتی نبوش دفترونه‌اس"

"گریه نکن مگه تو دفتري؟"

"با صدای بلند نفند تو دفتري"

"پرا موهاش رو کوتاه کردی؟ مگه پسری؟"

و...

دست‌های‌مان آلوده به فون احساس می‌شود، احساساتی که سرکوب شدند تا مورد تمسخر قرار نگیرند

احساساتی که دور از تمام جنسیت‌ها در انسان وجود داشت؛

پسری که عاشق رنگ صورتی بود و برای آنکه به او نگوئیم چه دخترانه لباس می‌پوشد دست از علایقش کشید

و دفتري که از شستن آن فرمان موهاش فسته شده بود و فکر می‌کرد موی کوتاه زیباترش می‌کند از ترس حرف بقیه دست به موهایش

نزد

و ما کسانی هستیم که علایق را در آنها با گفتن جملات پوچ کشتیم.

می‌دانیم که از قاتلان زنجیره‌ای هم فطرناک‌تر هستیم

حقوق دستمزد زنان کمتر از مردان

برابر نبودن حقوق زنان حتی در مشاغل آسیب‌های زیادی را متوجه

است؛ این در حالی است که یکی از مهمترین معیارها برای شاهد افزایش حضور زنان تحصیل کرده در جامعه هستیم و مسئله با کمبود اشتغال نیز همراه شده است، همگی منفعت بیشتری را نصیب سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و خصوصی می‌کند؛ موضوعی که در عین حال باعث سرخوردگی و ناکامی زنان شاغل می‌شود.

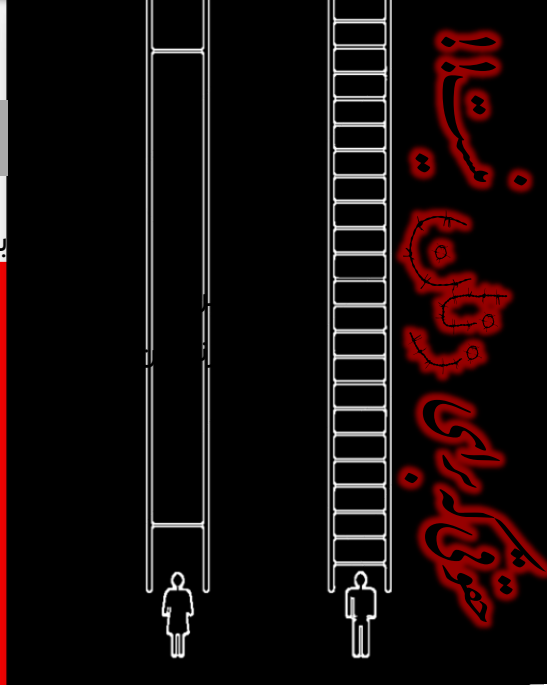
خروج از کشور با اذن همسر

اما این تنها تبعیض در مورد زنان نبوده و یکی از موضوعاتی که بحث‌های زیادی نیز پیرامون آن مطرح می‌شود، اجازه‌ی همسر برای خروج زنان از کشور است، به طوری که در حال حاضر زنی با تحصیلات عالی که بخواهد از کشور خارج شود حتما باید اجازه‌ی همسرش را کسب کند، در غیر این صورت اجازه‌ی خروج از کشور را نخواهد یافت.

البته در مواردی ممانعت از خروج زنان نخبه از جمله قهرمانان ملی از کشور موجی از نارضایتی را در میان زنان به وجود آورده و آن‌ها خواستار قائل شدن استثنائاتی در این زمینه هستند که در این زمینه نمایندگان فراکسیون زنان مجلس طرحی تدوین و تقدیم مجلس کردند که بر اساس آن خروج زنان نخبه از کشور تسهیل می‌شود و باید گفت تصویب این طرح می‌تواند گاهی رو به جلو برای شکوفایی استعداد زنان نخبه تلقی شود.

سربازی دختران

اما در لابه‌لای اخبار منتشر شده در گذشته، یک خبر بازتاب گسترده‌ای در جامعه داشت و با تحلیل‌های بسیاری از سوی افراد مواجه شد. طرح خدمت سربازی دختران موضوعی با واکنش جامعه به ویژه زنان همراه و لطیفه‌های بسیاری نیز در مورد آن در فضای مجازی ساخته و دست به دست شد. در مورد این موضوع باید اذعان



در حالی که قوانین حقوق زنان به رسمیت شناخته و آزادی‌های بسیاری برای آن‌ها در نظر گرفته شده است اما جایگاه و حقوق زنان در جامعه ما به درستی به رسمیت شناخته نشده و گلایه‌های زیادی مبنی بر نادیده گرفتن حقوق آنان به گوش می‌رسد.

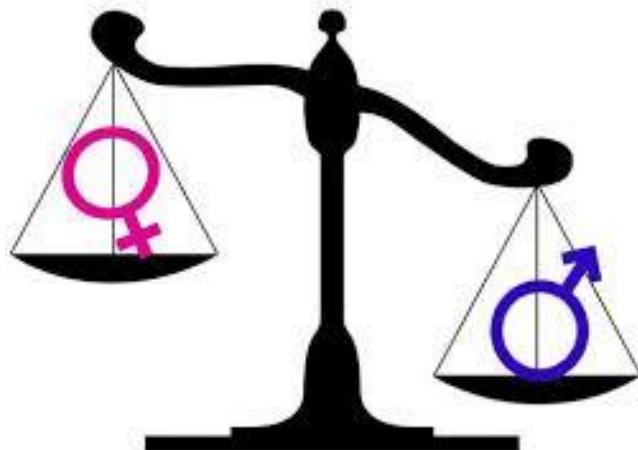
طبق اصل بیستم قانون اساسی، زن و مرد به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و یکم نیز معطوف به حقوق زن است و بر اساس اصل، برابری زن و مرد در قانون اساسی کشور به کرات مطرح شده است، هر چند انتظار می‌رفت پس از چهار دهه این موضوع محقق شود زیرا تحقق مطالبات زنان باعث احقاق بخشی از عدالت اجتماعی در جامعه می‌شود اما در عمل آنچه مشاهده می‌شود چیزی جز تبعیض و نادیده گرفتن حقوق زنان نیست.

زنان سال‌هاست گلایه‌های زیادی مبنی بر نادیده گرفتن حقوقشان دارند زیرا در بسیاری از موارد به بهانه‌های مختلف، حقوقی که قانون‌گذار برای آنان در نظر گرفته، نقض شده است. از جمله این موارد می‌توان به اجحاف و نابرابری حقوق زنان اشاره کرد که همگی محصول نگاه مردانه در کشور بوده و باعث آزار این قشر از جامعه شده است؛ به طوری که تحمل این برخوردهای نابرابر گاهی بسیار سخت و طاقت فرساست. رد پای عدم برابری زنان و مردان در جامعه هم در سیاست‌گذاری‌ها و هم در قانون‌گذاری کاملاً مشهود است که از جمله آنها می‌توان به برابر نبودن حقوق و دستمزد زنان نسبت به مردان، خروج از کشور با اذن همسر، عدم اجازه ورود زنان به ورزشگاه‌ها و... اشاره کرد.

در این زمینه باید گفت مبحث حقوق زنان معمولا شامل این موارد است: تمامیت بدنی و خود مختاری، حق رای، حق کار، حق دستمزد برابر به خاطر کار برابر، حق مالکیت، حق تحصیل، حق مشارکت در قراردادهای قانونی و در نهایت حقوق سرپرستی، ازدواج و مذهبی.

آموزشی و بهداشتی و همچنین رویکرد نرم‌افزاری استفاده شود، گفته است: جزئیات این طرح به صورت کامل مطرح نشده است ولی آنچه مشخص است دختران در طول خدمت سربازی اسلحه به دست نخواهند داشت.



داشت طرح موضوع خدمت سربازی برای دختران، اگر می‌توانست برابری میان زنان و مردان را به دنبال داشته باشد، موضوعی قابل طرح و قابل تامل بود. اما طرح این موضوع زمانی که زنان از نابرابری‌های بسیار رنج می‌برند و به نوعی در جامعه مردانه زندگی می‌کنند که مردان تصمیم می‌گیرند و خود نیز عمل می‌کنند و زنان سهم ناچیزی از جامعه و پست‌های مدیریتی دارند به هیچ‌وجه قابل توجه نیست.

سربازی دختران شبیه شوخی است

این موضوع با واکنش ستاد کل نیروهای مسلح نیز مواجه شد و سردار موسی کمالی در واکنش به طرح سربازی دختران در کمیسیون حقوق و قضایی مجلس با رد این موضوع گفت: در حال حاضر به هیچ‌وجه چنین طرحی وجود ندارد و مطرح کردن سربازی دختران چیزی شبیه به یک شوخی است

زنان سهمی بیشتر می‌خواهند

در خاتمه باید گفت در جامعه امروز خواستار سهمی بیش از آنچه امروز برایشان در نظر گرفته شده است، هستند. رفتن به خدمت سربازی اگر همواره با برطرف شدن مشکلات جامعه زنان و به نوعی باعث برابری حقوق زنان و مردان باشد، موضوعی قابل طرح و قابل توجه به نظر می‌رسد و ممکن است زنان با آن موافق باشند.

رشادتهای زنان در دوران دفاع مقدس و صحنه‌های رزم زنان تا پایان دفاع مقدس و تاثیر عمیق آن بسیار بر روحیه رزمندگان به همگان ثابت کرد که زنان جامعه ما بسیار توانمند هستند و می‌توانند در بسیاری از پست‌های مدیریتی حضوری فعال داشته باشند، هر چند این قابلیت‌ها سال‌هاست که معقول مانده است.

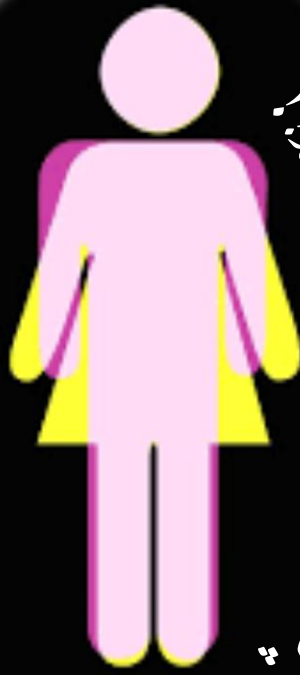
قرار نیست دختران برای عملیات نظامی آماده

شوند

اما پس از انتشار این خبر و ارائه نظرات گوناگون از سوی جامعه، طیبه سیاوشی، نماینده‌ای که این طرح را مطرح کرده بود با تاکید بر اینکه هنوز ابعاد این طرح مشخص نشده، ولی می‌توان گفت که قرار نیست دختران در خدمت سربازی اسلحه به دست بگیرند، گفت: این طرح هنوز در صحن مجلس شورای اسلامی مطرح نشده و مشخص است که اطلاع دقیقی از آن نداشته باشیم. وی در مورد اینکه نحوه خدمت سربازی دختران چگونه خواهد بود، ادامه داد: آنچه مشخص است قرار نیست دختران در بخش نظامی حضور داشته باشند و برای عملیات نظامی آماده شوند. وی با بیان اینکه به نظر باید از دختران در مسائل



وقتی مردی در مورد زنان مطلب می نویسد، عده‌ای می پرسند: شما چکار دارید؟! بگذارید خود زنان از حقوق خودشان دفاع کنند، دفاع از حقوق زنان کاری زنانه است، شما که مرد هستید به فکر خودتان باشید، زن‌ها خودشان حرف نمی‌زنند شما چرا ناراحت هستید؟ و حرف‌هایی از این دست که انگار برایشان سخت و عجیب است که یک مرد از حقوق زنان دفاع کند، اما چرا دفاع از حقوق زنان و برابری زن و مرد به وسیله‌ی مردان مهم و برای جامعه سرنوشت ساز است؟! دفاع از حقوق شهروندی، زن و مرد ندارد، زنان بخشی از جامعه هستند و اگر زن دچار مشکل شوند بدون شک کل جامعه از این مشکل آسیب می‌بیند نه فقط زنان. حقوق زنان در طول قرن‌ها سرکوب شده‌اند و به ذهن آنها تحمیل شده است که شما کمتر



حقوق زنان دفاع از حقوق زنان

WOMAN

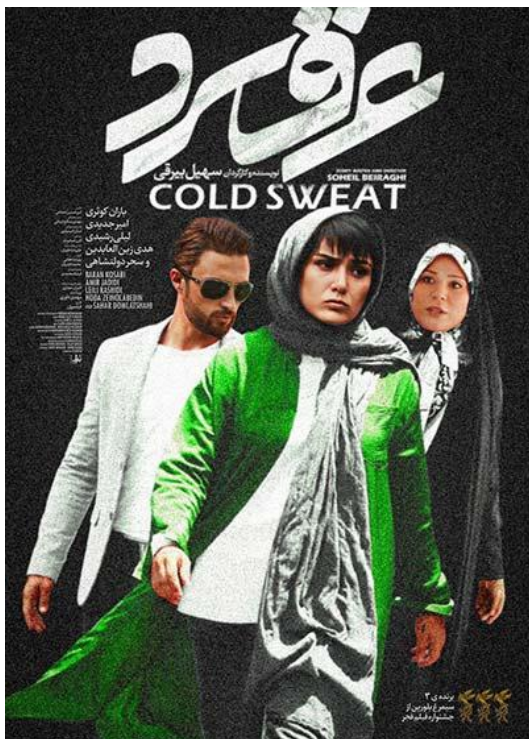
و ضعیف‌تر از مردان هستید. زنان در طول قرن‌ها قربانی شدند و از همان کودکی به آنها تحمیل شد که شما با مردان کامل می‌شوید و اگر قرار باشد یک نفر قربانی شود آن یک نفر زنان هستند حالا دنیا به این نتیجه رسیده که بسیاری از تفکرات گذاشته در مورد زنان اشتباه است و بدون مشارکت زنان توسعه ممکن نیست. دولت‌ها و جوامع به دنبال بازگرداندن اعتماد به نفس به زنان جامعه خود هستند تا به توسعه برسند. این کار به شکل‌های مختلف در حال انجام است و در جوامع کمتر توسعه یافته به شکلی دشوارتر اتفاق می‌افتد. هر کشوری که زنان را حذف کرده و اعتماد به نفس زنان جامعه را از آنها گرفته، بدون شک در جمع کشورهای مدرن و توسعه یافته قرار نمی‌گیرد. در کشور ما نیز تلاش‌هایی برای رسیدن به زنان به حقوق برابر با مردان صورت گرفته که تاریخچه‌ی آن به دوران باستان و فرماندهی سپاه و پادشاهی زنان می‌رسند که این تلاش‌ها خیلی جدی نیست و فقط در بخشی از جامعه اشرافی دیده می‌شود. در دوره قاجار نگرش کالایی و جنسی به زنان می‌توان از تعداد زنان یک پادشاه به خوبی متوجه شد. زنان در این دوره راهی جز پذیرش سرنوشت و تسلیم در برابر شرایط موجود دختران از زمانی که متولد می‌شوند به شکل‌های مختلف به ذهنشان تحمیل می‌شود که کار شما خانه‌داری و بچه به دنیا آوردن است و امور مملکت به شما ربطی ندارد. زن باید مطیع باشد و از مرد فرمانبرداری کند. در بسیاری از مناطق ایران این تفکر رایج بود که زن نیاز به آموزش ندارد و حق ندارد زیاد حرف یا سوال بپرسد. پدر، برادر و حتی پسرعموها بر یک دختر حق داشتند و حتی اگر او را کتک می‌زدند، او حق اعتراض نداشت، زن

باید در خانه پدر و شوهرش کار می‌کرد، اما هیچ ارثی نمی‌برد. این مسائل چنان به جامعه و ذهن زنان تحمیل شده بود که حتی خود زنان هم آنها را درست و صحیح و حق مردان می‌دانستند.

این تفکر هنوز در بخش‌هایی از جامعه ایران رواج دارد و باید آن را یکی از دلایل توسعه نیافتگی ایران دانست. زنان ایران با مشارکت در انقلاب مشروطه فصلی تازه را شروع کردند و سال‌ها بعد در دوره پهلوی با گرفتن حق رای دادن زنان در انتخابات توانستند قدم محکم و جدی برای دفاع از حقوق خود بردارند که این تلاش‌ها همچنان ادامه دارد، اما این تلاش علاوه بر خود زنان، مردان جامعه نیز باید دست از تفکر مردسالاری بردارند و برای رسیدن به جامعه توسعه یافته در بالابردن اعتماد به نفس زنان برای مشارکت اجتماعی کمک کنند، این کمک می‌تواند به شکل‌های مختلف باشد، مانند

حمایت یک پدر از تحصیل دخترش تا حمایت یک برادر از خواهرش در رفتن به دانشگاه و مشارکت در مسائل اجتماعی، حمایت یک مرد از همسرش در مراحل مختلف زندگی، یا نوشتن یک یادداشت ساده به وسیله افراد متخصص در اهمیت نقش زنان در جامعه، نوشتن به وسیله مردان و دفاع از حقوق زنان به آنها یادآور می‌شود که همه مردان مخالف برابری زنان و مردان نیستند. حتی اگر خود زنان هم نخواهند چیزی از وظیفه جامعه در آگاه‌سازی زنان جامعه کم نمی‌شود. ما وظیفه داریم آگاه‌سازی کنیم و به زنان کمک کنیم وارد میدان جامعه شوند حتی اگر هنوز آنها نسبت به اهمیت بودنشان در توسعه جامعه آگاه نشده و اعتماد به نفس کافی را نداشته باشند. عدم حضور زنان در اجتماع دلایل زیادی دارد که یکی از آنها این است که برخی فکر می‌کنند همه مردان زن ستیز هستند. اگر این ذهنیت تغییر کند و زنان بدانند در دفاع از حق خود تنها نیستند بدون شک اتفاق خوبی افتاده است.

حقوق زن نباید به مانند گذشته نادیده گرفته شود. دیگر گذشت زمانی که از سر جاهلی، حق زنانی بسیار تباه می‌شد و آن‌ها می‌سوختند و می‌ساختند. اکنون زمان بروز خود است. زنان باید برخیزند و به جهانیان نشان دهند که چه قدرتی دارند. قدرتی که اگر نبود، قطعاً جهان اکنون انقدر رشد و پیشرفت نکرده بود. زنان باید باور کنند که آن‌ها هم از حق و حقوقی برخوردارند و برای حق خود ارزش قائل شوند.



مهرج فبام

مهرج

شب اول همه سالگی

پیشنهادی مقرر هستند

عرق سرد فیلمی به کارگردانی و نویسندگی سهیل بیرقی و تهیه کنندگی مهدی داوری محصول سال ۱۳۹۶ است. موضوع این فیلم به اتفاقی واقعی که قبلاً چندین بار رخ داده شباهت دارد. فیلمی که به شدت بر نوجوانان و جوانان تاثیر می گذارند و نسلی را به وسیله سینما با ورزش و عرق ریختن در این راه آشنا می کند. عرق سرد با همه ایرادات فنی و ساختاری که به آن وارد است، بیننده اش را متقاعد می کند که مسیر داستان را تعقیب کند و وقتی از سالن سینما خارج شد کمی به موضوع فیلم فکر کند، کمی افکار و رسوم تثبیت شده و نخ نمایش را به چالش بکشد و کمی با نیلوفر اردلان، مریم امراللهی، مهسا مجلی، سمانه خوش قدم و تمامی زنانی که در این حق از آنها گرفته شده است که خودشان برای مسیر زندگی شان تصمیم بگیرند، همدلی کند.

خلاصه داستان فیلم:

این فیلم درباره کاپیتان تیم ملی فوتسال بانوان است که در حال اعزام به مسابقات آسیایی متوجه می شود از سوی همسرش ممنوع الخروج شده است. داستان این فیلم درباره افروز اردستانی (باران کوثری) کاپیتان تیم ملی فوتسال بانوان ایرانی است که با گل زنی افروز تیم ملی برای اولین بار به فینال بازی های آسیایی راه پیدا می کند و عازم مالزی می شود، در فرودگاه افروز متوجه می شود که ممنوع الخروج شده است و حقش را تزییع می کند و مانع از حضور او در فینال بازی های آسیایی می شوند.

دیالوگی از فیلم:

افروز: یعنی بهش نمی گن چرا؟! هیچ دلیل موجه نمی خواد؟!!

پانته آ: نه! مرد میتونه زن و بدون هیچ دلیل ممنوع الخروج بکنه، این و دیگه هیچ کاریش نمی شه کرد؛ قانونه، همین که دلش خواسته کافیه...

شب اول هجده سالگی یا دیپازون ساخته حامد تهرانی و به تهیه کنندگی علی رضا شجاع نوری و فیلمنامه حسین تهرانی سال ۱۳۹۷ تولید شد.

دیپازون یک درام سیاه است، ابتدا شادی و امید را به بینهایت می رساند؛ امیدهای آینده جامعه در حال درس هستند اما یک رفتار غلط، ظلم به زنان و تبعیض باعث می شود تا همه چیز خراب شود و هیچ رنگ سفیدی دیگر در اثر نباشد و حتی شاهد لکه های سفید هم نباشیم. تکیه فیلم بر موضوع تربیت درست پسران جامعه و استقلال دختران است که به صورت تقابلی در کنار همدیگر قرار گرفتند. بدون شک سامان در این فیلم نماینده پسران جامعه به حساب می آید که زور می گوید و با اینکه خود به تفریح رفته است، اما بابت تفریح خواهرش ارغوان او را مورد بازخواست قرار می دهد که منجر به قتل یک انسان می شود. هدی هم نماینده دختران جامعه است که شاد و بدون هیچ مشکلی پیش می رود اما زمانه و مشکلاتی پیش می آید، سبب می شود تا مورد خشونت یک مرد قرار بگیرد و با تمام آرزوها و امیدهایی که کارگردان برایش به تصویر کشیده بود و در ابتدای فیلم شاهد هستیم، پرپر می شود.

خلاصه داستان فیلم:

این فیلم داستان چند دختر نوجوان هم کلاسی در سال آخر دبیرستان را روایت می کند که بر حسب یک اتفاق، برادر یکی از آنها مرتکب قتل دوست خواهرش می شود و از همین روی است که مادر دختر، بر اساس همان قانون آشنای اختلاف دیه زن و مرد، تلاش خود را برای تهیه هزینه اجرای حکم آغاز می کند و سرانجام....



ماجرای عرق سرد بار دگر اتفاق افتاد!



ممنوع‌الخروج شدن زنان ورزشکار ایرانی از سوی همسر بار دگر خبرساز شد و اینبار مربوط به سمیرا زرگری است.

سمیرا زرگری، سرمربی تیم ملی اسکی آلپاین بانوان ایران، روز سه شنبه ۲۸ بهمن‌ماه به دلیل ممنوع‌الخروج شدن توسط همسرش از همراهی تیم برای شرکت در رقابت‌های جهانی ایتالیا بازماند

حتی تلاش‌های مسئولان فدراسیون برای رفع ممنوع‌الخروجی و اعزام او به مسابقات ایتالیا به نتیجه نرسید.

مسئولان فدراسیون اسکی امیدوار بوند تا روزهای منتهی به اعزام، ممنوعیت زرگری را برطرف کنند و حتی مربی دیگری را جایگزین وی نکردند ولی در نهایت مرجان کاهر، عضو با سابقه تیم ملی اسکی آلپاین، مسئولیت امور مربوط به سرمربی غایب و حضور در جلسات فنی پیش از رقابت‌ها را عهده‌دار شد

این نخستین بار نیست که ورزشکاری زن به دلیل مخالفت همسر از سفر به خارج باز می‌ماند پیشتر زهرا نعمتی، پرچم‌دار کاروان ایران در مسابقات المپیک ریو، اردیبهشت ۱۳۹۶ از سوی همسرش ممنوع‌الخروج شده بود.

همسر خانم نعمتی که مانند او عضو تیم ملی

تیراندازی با کمان معلولان بود، گفته بود که او را به دلیل ترک منزل ممنوع‌الخروج کرده است. نیلوفر اردلان، فوتسالیست و کاپیتان تیم فوتسال زنان ایران هم شهریور ۱۳۹۴ به دلیل مخالفت همسرش برای خروج از کشور از شرکت در نخستین دوره رقابت‌های جام ملت‌های زنان آسیا باز ماند.

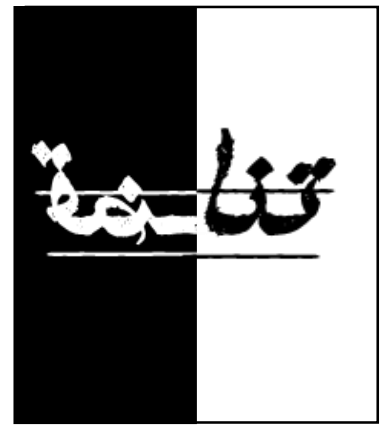
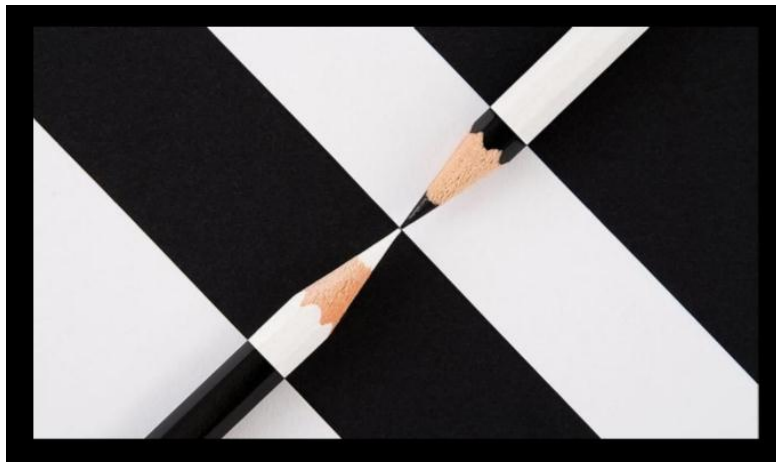
مریم امراللهی، مهسا مجللی، سمیرا خوش‌قدم، مرضیه جعفری، حمیده ایران‌منش و

بسیاری از زنان ورزشکار دیگر که به دلیل مخالفت همسرشان از شرکت در رقابت‌ها در خارج از کشور باز مانده‌اند.

بر اساس یکی از قوانین جمهوری اسلامی ایران که با انتقاد فعالان حقوق زنان روبه‌رو، خروج زنان از کشور نیازمند اجازه پدر یا همسر آنها است.

همچنین بر اساس ماده ۱۸ قانون‌گذاری ایران زن متاهل تنها با موافقت کتبی همسر یا در موارد اضطراری اجازه دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه، می‌تواند گذرنامه دریافت کند و بعد از صدور گذرنامه هم مرد می‌تواند همسرش را از سفر منع کند.

در سال ۱۳۹۶ پس از ماجرای خانم نعمتی بررسی «طرح اصلاح گذرنامه برای تسهیل در خروج زنان از کشور» در مجلس شورای اسلامی مطرح شد که این طرح تاکنون به تصویب نرسیده است.



تناقض مثل سیمان ساختمان، زندگی ما را سر پا نگه داشته **است**.

ساختمانی **کج** که به ثریا هم قرار نیست برسد. نه!

حرفم را نقض می‌کنم. همه چیز مانند فروختن است. مانند مزرعه‌ای موش زده، تمام **زمین** را **سوراخ** کرده ایم.

موشهای **کوری** شده‌ایم که سرمان را تا جایی که چشم‌هایمان دیده شود بالا می‌آوریم بو می‌کشیم و دوباره به لانه‌هایمان در عمق خاک بر می‌گردیم.

ما آدمهای تناقض زده، با توقعاتی در حد هیمالیاییم که در آخر سر به یک تل خاکی راضی می‌شویم، و شاکی هستیم از زمین و زمان. ابرها را مقصر خشکسالی می‌دانیم. هوا را مقصر آلودگی و باد و طوفان را مقصر گرد و خاک و در مجموع **معتقدیم** که خدا قهرش آمده و ما را **نفرین** کرده **است**، **در حالی** که قیمت‌ها بالا رفته می‌گوییم تقصیر آمریکای بی سر و پا است که انگشت روی تحریم ما گذاشته. به راستی **همه چیز تقصیر** چه کسی است؟!

اگر ما الان در جایگاه آمریکا بودیم و او را تحریم می‌کردیم که حالش سر جایش بیاید. اگر جو بازار متشنج است هم گردن شبکه‌های ماهواره‌ای است که دشمنان قسم خورده‌ی ما ساپورتشان می‌کند،

اگر دشمن نداشتیم چه کسی می‌توانست این حجم از مشکلات را گردن بگیرد؟! توی تاکسی و خانه و اداره و خلاصه هر جایی که فرصت باشد سفره‌ی درد و دل‌هامان را پهن می‌کنیم که مثلاً آقا این مملکت پر شده، از دزد و جانی و خائن و هیچ کس نیست که مچشان را بگیرد و دستشان را رو کند که اگر دقیقاً زندگی **خودمان** را کسی بررسی کند، متوجه خواهد شد که اصل معروف "بخور تا خورده نشی" از اصول شریف سازنده زندگی ما بوده است.

ما معتقدیم یک آرمان شهر واقعی ساخته نخواهد شد مگر اینکه مردم آن شهر صادق، شریف، مومن و... باشند همه جا هم **با ژستی روشنفکرانه** این موضوع را تکرار می‌کنیم. اما اگر کسی را پیدا کنیم که اتفاقات صادق و شریف و مومن و... باشد او را علناً یک آدم ساده‌ی احمق می‌خوانیم و با جدیت به بچه‌های خودمان تذکر می‌دهیم که مثل فلانی نباشد و زرنگ باشد. در یک کلام اگر کسی جیب ما را بزند **دزد است**، و اگر ما، (البته نه دقیقاً با همین صراحت) این کار را انجام بدهیم زرنگ هستیم.

در واقع ما آدم‌های تناقض زده به چیزهایی اعتقاد داریم که به آنها اعتقادی نداریم و صرفاً همه‌ی اعتقادات به این خاطر است که **فقط** دیگران را متقاعد کنیم که اعتقادشان اشتباه است.

ما یک تنه کل جهان را می‌توانیم با خاک یکسان کنیم،

تمام آب‌های زیرزمینی زمین را هورت بکشیم، روی تمامی رودخانه‌ها سد بزنیم، سواحل تمام دریاها را لبریز از زباله کنیم و اتفاقاً **خودمان** سنگ همان دریاها را هم به سینه بزنیم، **باید** با تولید خودروی بی کیفیت و بنزین نامرغوب لایه‌ی اوزون را پاره کنیم؛ و تنها یک شب کافی‌ست تا تمام درختان آمازون را سر ببریم و ته تمام معادن و ذخایر معدنی را انگشت بکشیم و در عین حال با مشکلات اقتصادی هم دست و پنجه نرم کنیم و خوب که نرم شدند، مشت کنیم و فریاد بزنیم: مرگ بر آدم فضایی‌ها! بله! ما واقعاً این قابلیت‌ها را داریم. ما بی‌صبرانه منتظریم که بالاخره یک نفر یک روزی پیدا شود و از این وضعیت **نجات**مان بدهد، ولی تا زمانی که همگی منتظری هستیم، قطعاً آن یک نفر هم منتظر است، اگر هم نجات‌دهنده‌ای پیدا شود، چون ذاتاً از آغاز منتظر بوده‌ایم، در آن لحظه هم منتظر می‌مانیم که آن منجی، خودش همه چیز را حل و فصل کند، وگرنه اگر می‌خواستیم کاری انجام **دهیم** که منتظر نمی‌ماندیم و **خودمان** دست به کار می‌شدیم!

و اینطور می‌شود که منجی هم منتظر می‌ماند تا کسی پیدا شود و او **را** کمک کند.

بازل های سائنده ی شباهی



سلامتی تعریفی گسترده دارد که شامل سلامت جسم و ذهن می باشد.

با توجه به مطالعات و تحقیقات انجام شده مهمترین عامل خطر، که تهدید کننده ی سلامتی هستند به شرح زیر است:

برخورداری از رژیم غذایی نامناسب، بی تحرکی، فعالیت کم بدن، مصرف سیگار و استعمال مواد مخدر اعتیاد به مصرف مواد مخدر یکی از آسیب های اجتماعی است که معضل کنونی در دنیا می باشد.

که موضوع مورد بررسی ما در این گفتار، درباره دلایل روی آوردن دانشجویان به سیگار و مواد مخدر می باشد:

از جمله عوامل گرانش دانشجویانه به مواد مخدر را می توان در دو محیط مورد بررسی قرار داد:

۱- در محیط خانواده و بیرون از آن؛ مواردی نظیر عدم سازش بین والدین و فرزندان، ناتوانی و ضعف در انجام مهارت های اجتماعی، طلاق والدین، دسترسی آسان به مواد مخدر، عدم نظارت والدین بر رفتار فرزندان، عامل اقتصادی و....

۲- در محیط تحصیلی دانشگاه: مثلا ایجاد استقلال بیش از حد، الگو قرار دادن و حجم بالای ارتباط با دوستان، دشواری سازگاری با محیط جدید به ویژه برای دانشجویان غیر بومی، یکنواختی زندگی خوابگاهی و بی برنامه گی دانشجویان اشاره کرد.

در خوابگاه های دانشجویی مواردی مانند بی پولی، تنهایی، افسردگی و دوری از خانواده زمینه ساز جذب دانشجویان به مصرف مواد مخدر می شود.

مسئله شب بیدار ماندن برای درس خواندن و کاهش استرس هم مواردی قابل توجه هستند که باعث روی آوردن دانشجویان به انواع مخدر از جمله آرام بخش ها که شامل هروئین، تریاک و مورفین، محرک ها و توهم زا شامل فن سیکلیدین، ال اس دی، مسکائین، سیگار و مشروبات الکلی و متامفتامین (شیشه) می باشد.

که در دراز مدت دارای اثرات مخرب جسمی و اجتماعی می باشد.

از آنجایی که اعتیاد مسئله ای مهم و قابل بررسی است مسئولین و تشکل های دانشجویی، خانواده ها و والدین چه تدبیری برای پیشگیری این امر می اندیشند؟!

فراهم کردن فضایی سالم و امن در خانواده بدون تشنج و استرس یک امر مهم است؛ ضروری است که والدین تفاوت های میان دو نسل خود و فرزندان شان را جدی بگیرند.

به مسئله اوقات فراغت و تشویق آنان به تفریحات سالم پردازند.

ایجاد آگاهی در دانشگاه از طریق برگزاری کارگاه های آموزشی، ایجاد برنامه های شاد و سرگرم کننده در دانشگاه، همچنین مقابله با عادی شدن رفتارهای پر خطر، و در آخر کنترل و نظارت بر وسایل ارتباط جمعی از موارد مهم می باشد. قطعاً کمی وقت گذراندن و درک کردن فرزندان مان نه تنها می تواند حد زیادی از این خطر را کاهش دهد بلکه می توانیم از فرزندان مان در مقابل بسیاری از خطرات دیگر محافظت کنیم.

اعتیاد نیست بیماری است



اعتیاد **جرم** نیست **بیماری** است
جمله ای که سال های سال است آن را
می شنویم، جمله ای که همگان به دنبال
آن اند که معتادان را همچون بیمارانی
نشانند دهند که باید جامعه برای درمان آن
بشتابند. بیمارانی که اپیدمی اعتیاد هر روز
آنها را بیشتر به گام مرگ تدریجی می کشاند.

اعتیاد جرم نیست بیماری است

جمله ای تهوع آور که گویی تمامی پلشتی و کثافت های جامعه ای از خود بیگانه را با خود یدک
می کشد جمله ای معتادان مجرم دیروز را به بیمارانی بدل می سازد تا که دست یاری دولت و
نهادها به سوی آنان دراز شود. اما این جمله ای است نه برای درمان و نه برای برائت جرم معتادان
بلکه جمله ای است برای مرزبندی هر چه بیشتر برای آدمیان و پرده ساتری بر روی آنچه که همین
دولت ها و نهادها به بار آورده اند. جمله ای که نه برای برائت جرم از معتادان بلکه برای برائت جرم
از سازوکاری غیر انسانی که همه چیز را در گام منطق سود فرو می برد.

جمله ای برای فرافکنی سیستمی که هم مجرم است و هم بیمار.

آری سازوکار سرمایه هم مجرم است و هم بیمار و آنچه را به معتادان نسبت می دهد چیزی جز
خصیصه های این سازوکار نیست.

این سرمایه داری است که اعتیاد دارد. معتاد است چرا که بدون سود بیشتر می میرد. بیماری مسری
است چرا که همه گیر است و هیچ مرزی نمی شناسد. مجرم است چرا که برای زنده ماندنش هر
فاجعه ای را رقم می زند.

آری اعتیاد فاجعه است که سرمایه داری بر سر انسان ها آورده. فجایعی به بار آورده که در تاریخ
بشریت بی نظیر است. بی نظیر در تاریخ؛ چرا که کوهی از ثروت های اقتصادی و اجتماعی را برای
اقلیتی تلنبار کرده و سوی دیگر کوهی از بدبختی و فقر و فلاکت برای اکثریت جامعه.

به راستی واقعا اعتیاد بیماری است؟!

فضول به معنی کسی است که در اموری دخالت کند که حد یا حق اون نیست.

چند خریدی؟ از کجا؟ چرا شوهر نمی‌کنی؟ چرا بچه نمیاری؟ دیر شد پس کی قصد داری ازدواج کنی؟ فلانی به نظرت از کجا پول در آورده همچین ماشینی خریده؟ چرا پول داده پای ماشین؟ چرا این همسایه کناری اونقدر رفت و آمد دارن؟ چرا؟ چرا؟ چرا؟
چراهایی که فقط از آدم‌های خاص بر می‌آید. خودشان معتقدند فقط کمی کنجکاو هستند و البته خیرخواه دیگران.
دیگران اما آن‌ها را با عنوان دیگری می‌شناسند، فضول!...
حتما بارها گیر آدم‌های فضول افتاده‌اید

چرا در موضوعی که اصلا به ما ربطی ندارد، خودمان را دخالت می‌دهیم؟

با هر توجیه منطقی و غیرمنطقی، بعضی از ما عادت کرده‌ایم در کارهایی که اصلا به ما مربوط نمی‌شود، دخالت کنیم که شاید مربوط به این مسئله می‌شود که ذهن ما از کودکی، کاملا قضاوتگر و برچسب زنده به دیگران تربیت می‌شود و با آموزش‌های غیرمستقیم و رفتارهایی که در رابطه با خود ما صورت می‌گیرد، این رفتار یا ویژگی منفی در ما شکل می‌گیرد و به صورت ناخودآگاه، هر چند خود دوست نداشته باشیم نیز این رفتار را خواهیم داشت و تکرار میکنیم.

دخالت همان فضولی است؟!

کلمه دخالت یعنی تجاوز به حریم شخصی افراد، البته در جامعه ما برای اکثر افراد این کلمه مترادف با راهنمایی کردن است. در حالی که دخالت کردن تنها در صورتی مناسب است که خطری جدی فرد یا جامعه را تهدید می‌کند.

مرزی بین دخالت و کمک کردن به دیگران وجود دارد؟!

صددرصد، مرزی بین دخالت کردن و کمک کردن به دیگران وجود دارد. این که افراد به حکم کمک به دیگران می‌خواهند از کار و زندگی فرد دیگری سر در بیاورند. توجیهی کاملا غیرمنطقی برای شخص دخالتگر است برای کمک کردن حتما باید درخواستی از طرف مقابل اعلام شود، نه این که بدون خواسته آن شخص صرفا به خاطر این که فرد می‌خواهد کمک کند زندگی او را از اختیارش درآورد و به استقلال او لطمه بزند

چرا فضولی؟

دلایل متفاوتی پشت فضولی کردن وجود دارد. برخی افراد که از وضع و شرایط زندگی خود راضی نیستند، به کسانی که فکر می‌کنند زندگی خوبی دارند، حسادت کرده و سعی در نابودی‌شان دارند و شروع به مداخله در امور آنها و سپس شایعه پراکنی می‌کنند.

بسیاری از افراد گاهی اوقات نمی‌دانند با سوال‌هایشان باعث رنجش دیگران می‌شوند و آنها معتقدند از سر دوستی با دیگران از آنها پرس و جو می‌کنند و حتی برخی دیگر معتقدند که آنها صرفا کنجکاو هستند نه فضول.

کنجکاو کیست؟

فردی است که آگاهانه تلاش می‌کند تا به ماهیت رفتارها و موقعیت‌ها

در فضاهای مختلف زندگی پی ببرند. در حقیقت، کنجکاو نیرویی قدرتمند و محرکی لازم برای انجام تحقیقات علمی است و به انسان کمک می‌کند هر روز کشف تازه‌ای کند. کنجکاو، ویژگی ضروری هر محققی برای موفقیت است. ما کنجکاو نوع منفی هم وجود دارد

من کنجکاو هستم یا فضول؟

گاهی اوقات کنجکاو آدم‌ها چنان زیاد می‌شود که نمی‌توانند تشخیص دهند قدم به وادی فضولی گذاشته‌اند، بنابراین هر بار که خواستید مطمئن شوید فضولی میکنید یا خیر، چند سوال از خودتان پرسید:

آیا این شخص را آنقدر می‌شناسم که چنین سوال‌هایی از او بپرسم؟

آیا حق دارم کارهای این فرد را زیر نظر بگیرم یا حتی او را بخاطر کاهایی که انجام می‌دهد، سرزنش کنم؟

آیا میتوانم از او علت کارش را بپرسم و اصلا چنین اجازه‌ای دارم؟

علت این سوال من از او چیست؟

آیا می‌خواهم از اطلاعات به دست آمده به نفع خود استفاده کنم؟

اگر کسی چنین سوالی از من بپرسد، واکنش من چیست؟

با افراد فضول چه باید کرد؟!

وقتی با فردی بر می‌خورید که فضول است، به جای اینکه اجازه دهید با رفتارش بقیه روزتان را خراب کند با چند روش کاملا موثر می‌توانید از شرشان خلاص شوید:

۱- موضوع مورد بحث را به سرعت عوض کنید.

وقتی با رگبار سوال‌های او مواجه شدید با زبردستی از پاسخ دادن طفره روید و فوراً موضوع را عوض کنید

۲- تماس چشمی نداشته باشید

نگاه‌تان را از او برگردانید و وانمود کنید مثلا درون کیف‌تان دنبال چیزی هستید یا مجله یا روزنامه‌ای را برداشته و مشغول خواندن شوید.

۳- پاسخ‌های مبهم بدهید

مجبور نیستید بابت هر پرسش، پاسخی واضح و روشن بدهید. مثلا اگر از شما پرسیدند "چقدر حقوق می‌گیرید؟" می‌توانید بگویید: "مثل هر کس دیگر با شرایط مشابه من..." یا "آنقدر هست که اموراتم را بگذرانم"

۴- نفس عمیق بکشید و سکوت کنید

هیچ کس نمی‌تواند شما را مجبور به پاسخ دادن کند، بگذارید همینطور سوال بپرسند، وقتی شما به هیچ یک از سوال‌هایشان پاسخ ندهید بالاخره می‌فهمند که دیگر فایده‌ای ندارد و دست از سرتان برمی‌دارند.

۵- ارتباط اجتماعی‌تان را با او کم کنید

تا آنجا که می‌توانید از او دوری کنید، با این کار به او می‌فهمانید اگر می‌خواهد با شما ارتباط داشته باشد باید دست از فضولی بردارد.

۶- وقتی در مورد دیگران خبرچینی می‌کنند، علاقه‌ای نشان ندهید.

کسی که در مورد دیگران پیش شما حرف می‌زند مطمئن باشید مسائل خصوصی شما را نیز به دیگران می‌گوید. بنابراین با شنیدن حرف‌هایش او را به این نوع رفتار تشویق نکنید.

۷- رو راست باید

خیلی راحت و بدون رودربایستی به او بگویید، دوست ندارید در مسائل زندگیتان دخالت کند و سوال‌های شخصی بپرسد

کرونا با ما چه

کرد؟!



اینجوری که ویروس کرونا رو دارید می‌برید گردش و دوردور بهش خوش می‌گذره بعید می‌دونم حالا حالاها از اینجا دل بکنه بره ها! البته پزشکان ما نصف جمعیت رو قانع کردن که تو

خونه بمون حالا دیگه نوبت دامپزشکاست که نصف دیگه رو قانع کنن؛ البته اونایی که الکی و بدون رعایت کردن میرن بیرون، نه اون کارمند و کارگر زحمت کشی که مجبوره بره سرکار مثلا به طرف گفتن چرا اومدی تو خیابون؟! میگه چیز خاصی نیس سریع یه چی بخرم برمی‌گردم خونه انگار هر کی سریع راه بره کرونا با خودش میگه این بنده خدا عجله داره مبتلاش نکنم بره به کاراش برسه.

ولی خدایی تاثیری که ویروس کرونا روی نظافت ملت گذاشت "النظافه الایمان" نداشته بود، والا به خدا، خوده من به شخصه انقد وسواس گرفتم که قبل شستن دستام اول صابون رو با شامپو می‌شورم /:

آقا موضوع فعلی ایام قرنطینست، که من حساب از دستم در رفته سه وعده غذا در روز بود؟! یا هر سه ساعت یه وعده غذا؟! یا هر یه ساعت سه وعده غذا!؟!

فکر کنم ما به جای کرونا خورونا گرفتیم

ولی خونه موندن خیلی هم کلافه کننده نیست

فقط موندم چرا در دو پاکت برنج یک کیلویی با یک مارک تو یکیش ۷۷۷۵۹ برنج هست تو اون یکی ۷۷۷۸۹ دونه برنج هست!؟! 😊

خب بیاید نیمه پر لیوان رو نگاه کنیم

مثلا تو عمرمون اینقدر خوشبخت نبودیم که تا لنگ ظهر بخوابیم، سرمون تو گوشیمون باشه، کار نکنیم، فیلم ببینیم، بعد ازمون تشکر هم بکنن و بگن: شهروند با فرهنگ و مسئولیت پذیر!

برنامه مون هم شده جمع کردن جا، پهن کردن سفره، جمع کردن سفره، پهن کردن جا، اما من خودم امروز تصمیم گرفتم توی این ایام قرنطینه دیگه بی برنامه پیش نرم نشستم قشنگ تو یه

دفتر یه برنامه ی کامل برای یه هفته ام ریختم، بعد دفتر رو بستم، گرفتم خوابیدم.

انقدری توی این دوران قرنطینه خوابمون بهم ریخته که من خودم به شخصه با مردم آفریقای مرکزی می‌خوابم و با مردم شبه جزیره اسکاندیناوی بیدار می‌شم..

با این حساب هر چی به اعماق خودم می‌نگرم بیشتر به این موضوع پی می‌برم که من دیگه ساعت خواب کشور با ساعت کشور هماهنگ نمی‌شه و تنها راه اینه که کشور باید با ساعت خواب هماهنگ بشه 😊

خواب رو بیخیال می‌دونید الان که هوا زمستونی بارون میاد ولی نمی‌تونیم از خونه بریم بیرون مثل وقتی که عروسی شباش می‌ریزن سر عروس و داماد با چشم تراولها رو دنبال میکنیم ولی رومون نمیشه بردازیم و مجبوریم از درد پاره بشیم و لبخند بزنینم؛ گفتم عروسی، مراسم عقد تو ایام کرونا اینجوریه که:

عاقده: با مهریه ۵۰ عدد ماسک و یه دبه ۴ لیتری اتانول و ۲ عدد کیت تشخیص کرونا آیا و کیلم!؟!

عروس خانم: با اجازه سفیر چین بله

انقدر قرنطینه طول کشید که من خودم بالاخره یه چیزی کشف کردم: یه تست برای اینکه بفهمید ناقل هستید یا نه

روی زمین دراز بکشید

سعی کنید همزمان به سمت چپ و راست قل بخورید

اگر قل نخوردید

متأسفانه شما ناقل هستید

شرمنده مستر تیستر ایرانی

راستی همین الان که دارین این متنو می‌خونید اولین ایرانی مبتلا به کرونا به خیال اینکه سرماخورده داره شربت آلبیمو غسلش رو هم میزنه

هییی خدا عظمتت رو شکر

ولی میترسم آخرش که ماجرای کرونا ختم به خیر میشه و هممون میریزیم تو خیابون و در حال شادی هستیم مثل آخر فیلما یه کرونا از پشت شیشه ی عقب پیکان به دورین چشمک بزنه



اگر ظرفیت تزریق واکسن باشد که مصطفی قانع گفته نفر محتاج تزریق ۱۲۰ میلیون طول خواهد کشید. همزمان پایان واکسیناسیون تا اسفند گزارشی به بررسی "چهار فاز کشور" خبر داد و نوشت برای ایرانی طی یک سال باید ماهی نظام سلامت قرار گیرد نیاز ظرفیت کنونی بر این پایه عمومی در ایران طی یک سال، واکسینه شوند. این تعداد بیش از دو میلیون و ۳۰۰ هزار دوز واکسن در هفته می‌شود و بسیار فراتر از آن چیزی است که مصطفی قانع "توان کشور" برای تزریق واکسن اعلام کرده است.

همان چهار میلیون دوز در ماه است واکسینه کردن ۶۰ میلیون دوز واکسن است که سی ماه با انتشار سخنان قانع درباره ۱۴۰۰ خبرگزاری ایسنا در زمانی واکسیناسیون کرونا در واکسینه کردن ۶۰ میلیون میلیون دوز واکسن در اختیار تزریق واکسن بیش از دو برابر برای رسیدن به مصنوعیت باید روزانه حدود ۳۳۰ هزار نفر

مطابق برنامه اولویت بندی واکسیناسیون کرونا در ایران قرار شد فاز اول و دوم واکسینه کردن شهروندان تا تیر ماه سال آینده انجام شود؛ این دو فاز شامل "کارکنان بهداشت و درمان خط اول مواجهه با بیماری کرونا"، افراد بالای ۶۵ سال و شهروندان با حداقل یک بیماری زمینه‌ای می‌شود که تعداد آنها حدود ۱۷ میلیون است. واکسینه کردن این جماعت نیاز به ۳۴ میلیون دوز واکسن کرونا و نزدیک به هفت میلیون دوز در ماه دارد. این تعداد نیز با ظرفیت تزریق واکسن مطابق برآورد مصطفی قانع تناسبی ندارد و در صورت تحقق هم واکسیناسیون ۶۰ میلیون نفر را زودتر از ۱۷ ماه دیگر ممکن نمی‌کند. واکسیناسیون شهروندان در ایران با ۲۰ هزار دوز واکسن کرونا آغاز شد اما درباره‌ی ادامه و خاتمه‌ی آن ابهاماتی جدی وجود دارد. برآورد درباره‌ی زمان مورد نیاز برای واکسینه کردن ۶۰ درصد شهروندان از یک سال تا سی ماه متفاوت است واکسیناسیون شهروندان برای مصونیت در برابر ابتلا به بیماری کووید ۱۹ در ایران از ۲۱ بهمن ماه با واکسن روسی "اسپوتنیک وی" آغاز شد؛ بنابر گزارش‌ها پارسا نمکی فرزند سعید نمکی وزیر بهداشت نخستین نفری بود که اولین واکسن کرونا در ایران به او تزریق شد. اخیرا وزیر بهداشت در پاسخ به انتقادها از خرید واکسن "اسپوتنیک وی" گفته بود: "به کوری چشم خیلی‌ها این واکسن را اول به خانواده‌ی خودمان تزریق می‌کنیم"

یک متخصص بی‌هوشی و یک پرستار در بخش آی‌سی‌یو بیمارستان امام خمینی نقرات بعدی بودند که واکسن کرونا به آن‌ها تزریق شد. بنا بر گزارش‌ها محموله‌ای که از روسیه وارد ایران شد شامل ۲۰ هزار دوز واکسن بود که برای واکسینه کردن ۱۰ هزار نفر کافی است.

کیانوش جهانپور، رئیس مرکز اطلاع رسانی وزارت بهداشت، ۲۴ بهمن ماه در یک پیام توئیتری اعلام کرد که محموله‌ی دوم چند روز زودتر وارد ایران شد که شامل ۱۰۰ هزار دوز واکسن است. مسئولان جمهوری اسلامی امیدوارند تولید واکسن ایرانی کرونا در بهار سال آینده آغاز شود. خبرگزاری فارس ۲۳ بهمن ماه به نقل از وزیر بهداشت نوشته بود: «در دو سه ماه آینده ایران یکی از قطب‌های بسیار مهم واکسن‌سازی کرونا در منطقه خواهد شد و یکی از صادرکنندگان واکسن کرونا در جهان خواهیم بود».

به گزارش وبدا، دکتر سعید نمکی، در ارتباط زنده تصویری با شبکه خبر، با اعلام این خبر، اظهار کرد: حدود ۵ و نیم میلیون دوز واکسن کووید ۱۹ را در قالب قرارداد مشترک تولید با یکی از کمپانی‌های صاحب نام جهانی و حدود ۲۰ میلیون دوز واکسن را از یکی از کمپانی‌های معتبر دیگر در دنیا تامین می‌کنیم و در نهایت ۴۱ تا ۴۲ میلیون دوز واکسن کووید ۱۹ را تامین می‌کنیم و واکسن کووید ۱۹ باید دو بار تزریق شود زیرا با یک بار زدن ایمنی کافی را ایجاد نمی‌کند.

صبح روز سه شنبه ۲۶ اسفندماه فاز دوم و سوم تست انسانی "واکسن ایران برکت" و همچنین فعالیت بزرگ‌ترین کارخانه تولید واکسن در منطقه آغاز شد.

محمد مخبر رئیسی ستاد اجرایی فرمان امام گفت: نتایج فاز نخست مطالعات کارآزمایی بالینی توسط مراجع ذی‌صلاح مورد تایید رسمی قرار گرفت و این واکسن توانست در بحث ایمن بودن موفقیت ۱۰۰ درصدی کسب کند. مخبر تاکید کرد: تا زمانی که حتی یک ایرانی باقی مانده باشد که واکسن کرونا دریافت نکرده باشد، اقدام به صادرات واکسن نخواهیم کرد.

پیشتر

پدانیه!

ازدواج:

زوجیت یک پدیده



همسرانی برای شما آفرید
تا بدان ها آرام گیرید و
میان تان دوستی و رحمت
نهاد. روم ۲۱ " در این
آرامش زنان نقش تعیین
کننده داشته و آنها هستند
که عامل زوجیت بوده و

آرامش را با تمام وجود خود به همسر
خود هدیه می کنند و این آرامش تنها
با ازدواج به دست آمده و با ازدواج
کامل می شود و محوری ترین نقش
روانی زنان در زندگی همین عامل
می باشد، که متاسفانه در مردان
کمتر دیده می شود. بر این اساس،
مهمترین ملاک و معیار برای
یافتنیک جفت مناسب در

زندگی، رسیدن به فردی است که
حضور او در زندگی انسان موجب
آرامش هردو (زن و مرد) شود و این
مهمترین عامل برای تداوم یک
ازدواج یا عدم آن و در نتیجه
مهمترین ملاک نیز می باشد.
ازدواج و پیوند زن و مرد که
هریک دارای صفات و
خصوصیات مختلف و مخصوص
به خود می باشند، باعث می شود
که روند تکاملی خلقت و ادامه
حیات که یکی از اهداف
آفرینش می باشد، تحقق یافته و
زندگی انسان نیز با شور و نشاط ادامه

مرحله از زندگی رسیده است و با
همین عامل هم چنان رو به کمال
حرکت کرده و روزبه روز کامل تر
می شود. دو نقش عمده زوجیت در
حیات اجتماعی انسان، ادامه حیات و
تکامل این موجود می باشد؛ زیرا زن و
مرد به تنهایی قادر به ادامه حیات
نبوده و با ازدواج یکدیگر را کامل
کرده و با زاد و ولد موجب تداوم
حیات اجتماعی می شوند و از این
جهات، پدیده ازدواج یک ضرورت
اجتماعی به حساب می آید. اما از نظر
دینی ارتباط زن و مرد در حدی است
که جداسازی میان آنها محال می باشد؛
زیرا خداوند آن دو را از یک جنس
مکمل آفرید.

ازدواج؛ عامل آرامش:

با وجود ضرورت اجتماعی ازدواج،
اما خداوند در قرآن مهم ترین فلسفه
آن را سکونت یا آرامشی می خواند
که منجر به دوستی و مهربانی بین
زن و مرد شود: " از خودتان

بسیار طبیعی در عالم خلقت است، ولی
امروزه، باتوجه به مشکلات متعدد
ازدواج، رواج طلاق و افزایش تنش
های زندگی، این سوال در ذهن برخی
از افراد به وجود آمده است که
(ازدواج آری یا نه؟) و این نشان
می دهد زندگی انسان به گونه ای است
که مسائل و مشکلات گوناگون
می تواند طبیعی ترین نیازهای او را نیز
تحت الشعاع قرار داده و زندگی انسان
را باخطر مواجه کند، در حالی که
زوجیت لازمه زندگی آدمی و ادامه
حیات او بوده و به نظر میرسد اگر
زوجیت نباشد، جهان خلقت نیز کامل
نخواهد بود.

دو نقش مهم زوجیت:

طبیعی بودن زوجیت و ضرورت آن
نشان می دهد که زوجیت اساس خلقت
و نیاز انسان و تمام موجودات برای
ادامه ی حیات می باشد و انسان
نمی تواند آن را نادیده بگیرد؛ زیرا
همین عامل زوجیت است که انسان به

یابد و این بعد از رسیدن به مرحله عبودیت و ترس از خدا، بهترین توشه می‌باشد.

رسیدن به این هدف زمانی امکان دارد که انسان بتواند همسر شایسته خود را بیابد و این سخت‌ترین مرحله یک ازدواج و ایجاد پیوند مشترک می‌باشد که امروزه کمتر مورد توجه قرار گرفته و در نهایت همین عامل باعث می‌شود که بیشتر ازدواج‌ها به شکست انجامد. امروزه با گسترش ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، جهان به دهکده کوچکی تبدیل شده و با وجود این روابط، نحوه همسریابی نیز نسبت به گذشته کاملاً تغییر کرده است؛ زیرا جوان امروزی به ازدواج با کسانی فکر می‌کند که فاصله واقعی‌اش با او هزاران کیلومتر باشد، اما در دنیای مجازی نه فقط فاصله‌ای بین انسانها وجود ندارد، که گاهی افراد باهم زندگی کرده و با وجود فاصله واقعی به ازدواج با این نوع افراد فکر می‌کنند و بسیاری تصور می‌کنند که نحوه همسریابی با خوشبختی، یافتن همسر شایسته و رسیدن به آرامش ارتباط دارد.

خوشبختی در زندگی زناشویی با نحوه همسریابی و آشنایی اولیه ارتباطی نداشته و تغییر کرده است؛ زیرا جوان امروزی برخلاف جوانان گذشته که به ازدواج با خانواده یا همسایه فکر می‌کردند، به ازدواج با

کسانی فکر می‌کند که فاصله واقعی‌اش با او هزاران کیلومتر باشد، اما در دنیای مجازی نه فقط فاصله‌ای بین انسانها وجود ندارد، که گاهی افراد باهم زندگی کرده و با وجود فاصله واقعی به ازدواج با این نوع افراد فکر می‌کنند و بسیاری تصور می‌کنند که نحوه همسریابی با خوشبختی، یافتن همسر شایسته و رسیدن به آرامش ارتباط دارد.

خوشبختی در زندگی زناشویی با نحوه همسریابی و آشنایی اولیه ارتباطی نداشته و به پنج عامل مهم زیر بستگی دارد:

هدف از ازدواج :

درک صحیح از ازدواج و مسایل مربوط به آن موجب می‌شود تا انسان هدف‌مندانه گام در این مسیر بگذارد و این زمانی امکان دارد که فرد به بلوغ عقلی، فکری، روحی و جسمی رسیده باشد.

ملاک‌ها و معیارهای همسرگزینی:

بلوغ موجب می‌شود که انسان بتواند ملاک‌ها و معیارهای مورد نظر خود را برای یافتن جفت مناسب مشخص کند و این یکی از سختی‌های همسریابی می‌باشد؛ زیرا بسیاری ازدواج می‌کنند چون دیگران چنین کرده‌اند!

توجه به تناسب و سنخیت:

«هم‌کفویت» یا تناسب زوجین عامل اساسی تداوم ازدواج در عصر حاضر

می‌باشد که متأسفانه امروزه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و شاید توجه به همین عامل سبب شود که نحوه همسریابی مورد توجه قرار بگیرد.

قدرت انطباق:

توجه به تفاوت‌ها و درک آن اهمیت زیادی دارد و این قدم اول در ایجاد روابط بوده و قدم بعدی تلاش برای کنار آمدن با همسر می‌باشد. در حالی که متأسفانه در شرایط فعلی «شبيه‌سازی» یا «همانندسازی» افراد، هدفی است که خواسته یا ناخواسته در ازدواج دنبال شده و تداوم حیات را با مشکل مواجه می‌سازد.

نقش‌پذیری :

تعریف زندگی و مشخص بودن نقش هریک از افراد در زندگی، عامل بسیار حیاتی در ادامه‌ی آن می‌باشد.

ازدواج خوب، خوب است :

در کل ازدواج یک ضرورت بوده و پیوند مقدسی است که هدف‌نهایی در آن نیز رسیدن افراد به آرامش و آسایش روحی و روانی می‌باشد و این زمانی امکان دارد که انسان عاقلانه زندگی کرده و عاقلانه ازدواج کند و بداند که فقط یک ازدواج خوب، خیلی خوب است!

دنیای مجازی واقعی

روزی با عجله و اشتهای فراوان به یک رستوران رفتم. مدت‌ها بود می‌فواستم برای

سیامت از مکان‌های دیدنی به سفر بروم. در رستوران محل دنجی را انتخاب کردم، چون می‌فواستم از این فرصت استفاده کنم تا غذایی بفورم و برای آن سفر برنامه‌ریزی کنم. فیله ماهی آزاد با کره، سالاد و آب‌پرتقال سفارشی دادم. در انتهای لیست نوشته شده بود: غذای رژیمی می‌فورید؟!... نه نوت بوکم را باز کردم که صدایی از پشت سر مرا متوجه خود کرد

- آقا... همیشه کمی پول به من بدی؟!

+ نه کوپولو، پول زیادی همراهم نیست.

- فقط اونقدری که بتونم نون بفورم

+ باشه برات می‌فورم

صندوق پست الکترونیکی من پر از ایمیل بود. از خواندن شعرها، پیام‌های زیبا و همپنین جوک‌های فنده‌دار به کلی از خود بی‌خود شده بودم. صدای موسیقی یادآور روزهای فوشی بود که در لندن سپری کرده بودم.

- آقا... همیشه بگی کره و پنیر هم بیار؟!

آه یادم افتاد که اون کوپولو پیش من نشسته.

+ باشه ولی اجازه بده بعد به کارم برسم، من فیلی گرفتارم، مُب؟!

غذای من رسید. غذای پسرک را سفارش دادم؛ گارسون پرسید که اگر او مزاحم است، بیرونش کند. وجدانم مرا منع می‌کرد. گفتم نه مشکلی نیست.

بذار بمونه. برایش نان و یک غذای فوش‌مزه بیارید.

متوجه شدم که چیزی نفهمیده. برای اینکه دوباره سوالی نپرسد گفتم: اون فقط یک نامه است که با اینترنت فرستاده شده

- آقا... شما اینترنت داری؟!

+ بله در دنیای امروز فیلی ضروریه

- اینترنت پییه؟!



+ اینترنت جاییه که با کامپیوتر همیشه فیلی چیزها رو دید و شنید. افبار، موسیقی، ملاقات با مردم، خواندن و نوشتن، رویاها، کار و یادگیری. همه‌ی این‌ها وجود دارن ولی در یک دنیای مجازی

- مجازی یعنی پی؟!

تصمیم گرفتم جوابی ساده و فالی از ابهام بدهم تا بتوانم غذایم را با آسایش بفورم.

+ دنیای مجازی جائیه که در اون همیشه چیزی رو لمس کرد. ولی هر چی که دوست داریم اونجا هست (رویاها، مون رو اونجا) سافتیم و شکل دنیا رو اونطوری که دوست داریم عوض کردیم.

- چه عالی دوستش دارم

+ کوپولو فهمیدی مجازی پییه؟!

- آره، من توی همین دنیای مجازی زندگی می‌کنم

+ مگه تو کامپیوتر داری؟!

- نه ولی دنیای منم مثل اوننه... مجازی

- مادره تمام روز از فونه بیرونه. دیر بر میگردد و اغلب اونو نمیبینیم.

- وقتی برادر کوپیکم از گرسنگی گریه میکنه با هم آب رو به جای سوپ می‌فوریم

- فواهر بزرگترم هر روز میره بیرون. می‌گن تن فروشی میکنه اما من نمیفهمم چون وقتی برمیگرده میبینم که هنوزم هم بدن داره.

- پدرم سال هاست که زندانه و من همیشه پیش خودم همه فانواده رو توی فونه دور هم تصور میکنم یه عالمه غذا، یه عالمه اسباب بازی و من به مدرسه میرم تا یه روز دکتر بزرگی بشم.

- مگه مجازی همین نیست؟!

قبل از آنکه اشک‌هایم روی صفحه کلید بچکد، نوت بوکم را بستم. صبر کردم تا بچه‌هایم را که مریصانه می‌بلعید تمام کند. پول غذا را پرداختم. من آن روز یکی از زیباترین و فالصانه‌ترین لبفندهای زندگیم را همراه با این جمله پاداش گرفتم

آکسیتیما چیست؟

پدرم دلواپس آینده برادرم است! اما متی یک بار هم اتفاق نیافتاده که با هم به کافی‌شاپ بروند، در خیابان قدم بزنند و گاهی بلند بخندند.

فواهرم نگران فشار کاری پدرم است! اما متی یک بار هم نشده فواسته‌هایش را به تعویق بی‌اندازد تا پدر برای مدتی احساس راحتی کند.

برادرم نگران وضعیت خانواده است اما سعی نمی‌کند جهت کاهش فشار کاری والدین متی پند قرص نان از نانوائی فرید کند.

مادرم با فکر فوشبفتی من فواپش نمی‌برد اما متی یک بار هم نشده که با من درمورد فوشبفتی‌ام صحبت کند و بپرسد: فرزندم چه چیزی تو را فوشمال می‌کند؟

زن نگران شوهرش است اما موقعی که دیر می‌آید، طوری با او حرف می‌زند انگار که فانه زن دیگری بوده است.

مرد نگران بیش از حد کار کردن همسرش است اما موقعی که می‌آید فانه طوری برفورده می‌کند که فسته‌ترش می‌کند. به این حالات "آکسیتیما" یعنی فقر کلمات در بیان احساسات می‌گویند

در فرهنگ ما این مریضی یک رسم مرسوم است!

احساسات را پنهان کن و نشان نده!

از یک طرف در خلوت خود، دل‌مان برای این و آن می‌سوزد و یا تنگ می‌شود، از طرف دیگر وقتی بهم می‌رسیم انگار که دور از جونه‌مه، لال‌مونی می‌گیریم!

انگار نیرویی نامرئی، فراتر از ما وجود دارد که دهان‌مان را بسته تا مبادا چیزی در مورد دل‌تنگی‌مان بگوییم! تکلیف‌مان را با خودمان روشن نمی‌کنیم

یکدیگر را دوست داریم اما آن قدر شهامت نداریم که دوست داشتن‌مان را ابراز کنیم!

ما آدم‌های فقیری هستیم

البته فقیری که در کلماتش احساسات را پنهان می‌کند آنقدر در بیان احساسات‌مان آکسیتیماک هستیم که صبر می‌کنیم تا وقتی عزیزی از دست رفت، آن وقت تا آخر عمر

برایش شعر بگوییم

از یک جا به بعد باید این سکوت فطرناک را شکست و راه افتاد

اتز یک جا بج بعد باید پدر به فرزندش بگوید که چقدر دوستش دارد

از یک جا به بعد باید فرزند دست پدر و یا مادر را بگیرد و با هم قدم بزنند و شوفی کنند و بخندند

از یک جا به بعد باید مادر فرزندش را به یک شام دو نفره دعوت کند

از یک جا به بعد زن باید به همسرش بگوید عزیزم از این که دیر کردی، نگرانت شده

از یک جا به بعد مرد باید به همسرش بگوید که عزیزم روز پر کاری داشتی خودت را بیشتر از این فسته نکن

از یک جا به بعد باید فرزند در گوش مادرش بگوید: چقدر فوب است که تو را دارم

از یک جا به بعد باید کسی که دوستش داریم بدانند که چقدر با بودنش مال ما را فوب کرده است

و چه فوب است، آن از یک جا به بعد، همین الان باشد.. آیا شما مبتلا به آکسیتیما هستید؟

پس شتاب کن برای تخییر، از همین الان و اکنون اقدام کن

روان‌شناسی میگه:

کسی که برای چیزهای کوچک گریه می‌کند برانید معصوم است

اگر کسی گریه نمی‌کند برانید مغرور است

اگر کسی سر مسائل اهمقانه و کوچک عصبانی می‌شود برانید درگیر دوست داشتن از ته قلب است و به عشق نیاز دارد

اگر شفقی بیش از اندازه می‌فندد برانید از درون عمیقا غمگین است

اگر کسی زیاد از حد می‌فواپد برانید تنها است

اگر کسی کم و سریع حرف می‌زند برانید رازی در سینه دارد

اگر کسی نتواند تصمیم‌گیری کند ضعیف است

وقتی کسی با یک روال غیرعادی غذا می‌فورده برانید تهت تنش است



بادرود

با سلام خدمت دوستان عزیز با یه ایران گردی در خدمت شما هستیم اومدیم که با هم دیگه سفر کنیم به بادرود، چهارمین شهر زیارتی و تاریخی ایران اول سری می‌زنیم به زیاتگاه آقا علی عباس و شاهزاده محمد، از فرزندان حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) و برادران حضرت ثامن الائمه علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) که در فاصله ۸ کیلومتری شهر بادرود و در ۳۸ کیلومتری شمال شرقی شهر نطنز در دل کویر قرار داره وجود پر خیر و برکت این دو امامزاده که همچون نگینی در دل کویر گرم و خشک میدرخشه عامل بروز خیر و برکات و رونق این منطقه‌ست

و حالا سری می‌زنیم به خانه محقق الدوله که این بنای ارزشمند به همت حاج علی محمد محقق الدوله در حدود یک‌صد سال پیش ساخته شده و به ثبت آثار تاریخی کشور رسیده و در سال ۱۳۷۳ به همت فرزند برومند محقق الدوله (جناب دکتر حسنعلی محقق) بازسازی و مرمت گردیده؛ واقعا اینجا اوج شکوه معماری دوران قاجار رو به وضوح می‌تونید لمس کنید.

این بنا دارای ایوان تابستانه و زمستانه‌ست، حوض‌خانه، سردابه، بادگیر، حمام خزینه‌ای و باغ متصل به خانه از ویژگی‌های این بنای ارزشمند هست.



مکان تاریخی بعدی، حمام نوغه‌ست که مربوط به دوره صفوی می‌شه که سبک ساختمان حمام نوغه مثل حمام گنج‌علی‌خان در کرمانه ولی در مقیاس کوچک‌تر؛ این حمام مثل تموم حمام‌های قدیمی ایران دارای رختکن یا سربینه، خزینه، حمام و فضاهای داخلی از طریق راه آب‌هایی به جنس سفال و توسط حوضچه‌های کوچک به هم ارتباط دارند که این سیستم باعث دسترسی به آب گرم در تمامی فضاهاست که دارای معماری خاصی هست.

مکان بعدی خانه‌ای فرانسویه که فرهنگ ایرانی در اون موج میزنه!! بله! درست حدس زدید؛ می‌رسیم به سرا موزه رهگشا که به عنوان بزرگ‌ترین گنجینه مردم‌شناسی بادرود به شمار میره که بیش از ۲ هزار قطعه شی تاریخی از نحوه آداب و سنت مردمای حاشیه کویری به طرز بسیار زیبایی چیده شده و هر ساله مخصوصاً ایام عید نوروز پذیرای هزاران بازدیدکننده از سراسر کشورمونه البته قبل از کرونا



واماد آخر می‌خواهیم سری بزیم به عمارت تازه بازسازی شده یعنی عمارت سرهنک و مصاحبه‌ای

خواهیم داشت با جناب آقای رحیمی‌نیا

با ما همراه باشید

جناب رحیمی‌نیا لطفاً خودتونو معرفی کنید و بگید پی شد که تصمیم به مرمت‌سازی عمارت رو گرفتید

عرض فیر مقرر و فوش آمد دارم فرمت شما، من سعید رحیمی‌نیا هستم متولد شهر بادرود راستش ما از سال ۹۵ با جمعی از دوستانی که آفرود داشتند مشغول تور کویرنوردی بودیم،

متاسفانه تو شهر ما همینطور که خودتون در جریان هستید اصلاً اقامتگاه بوم‌گردی وجود نداشت فب قاعدتاً ما میبوره بودیم که بهت اسکان مسافره‌ای تورمون رو یا تو فونه‌های روستایی انجام بدیم یا تو باغ که اصلاً وجهه جالبی نداشت و این موضوع سال ۹۷ به پورایی ما رو متقاعد کرد که به بهت اقامتگاه بوم‌گردی رو تو شهرمون داشته باشیم و ما اقامتگاه بوم‌گردی عمارت سرهنک رو وقتی تصمیم مرمت گرفتیم شرایطی بود که در شهر بادرود اصلاً همپین امکاناتی برایش وجود نداشت و ما فراروشکر بالغ بر یک سال بهت مرمت و بازسازی رو به اتمام رسونیم

معماری عمارت برای چه زمانیه؟

فب ما این فونه‌ای که الان میبینید تلفیقی از دو تا معماری زمان قاجاره و زمان معماری پهلوی

یکمی هم درمورد امکانات عمارت بگید

در حال حاضر مجموعه عمارت سرهنک بالغ بر ۹ تا اتاق اسکان و ظرفیت پذیرش ۳۰ نفر رو داره؛ و اتاق‌ها هم اسم و ظرفیت‌های متفاوتی داره مثلاً اسم ماژور با ظرفیت ۵ نفر، رسربان و پاسبان با ۳ نفر، سپهسالار با ظرفیت ۴ نفر، پاسیار یکم و دوم با ظرفیت ۲ نفر، و VIP پاسیار با ظرفیت ۶ نفر، این اسم‌های زمان شهربانی زمان پهلویه هستند و اینکه ما تونستیم تو این مجموعه‌مون سوای بهت اقامتی، همونطور که مشاهده می‌کنید کافه‌ی سنتی که به عنوان کافه سرهنک مطرح شده داشته باشیم



برنامه‌ی دیگه‌ای به جز اقامت برای گردشگرها دارید؟

بله، همون‌هایی که برای اقامتگاه میان صرف اقامت نیست و در کنارش ماشین آفرود و تورهای کویر مثل کویر متین آباد، کویر ابوزیدآباد، قلعه کرشاهی، دره گوران که به سمت موغار و مهاواره رو مطرح کردیم که میتونیم زمان همون‌هامونو پر کنیم





پی شد که تصمیم گرفتید برنامه‌های دیگه‌ای هم به اقامتگاه تون اضافه کنید؟

خب ما فقط آگه می‌خواستیم صرفاً اقامتگاه بوم‌گردی باشه شاید اونجوری که برورد ما بود جواب نمی‌داد و اینکه نمی‌خواستیم فقط این باشه که وقتی مهمون بیاد به شب اینجا بفوبه و فرداش نرونه پیکار کنه؛ ما اومدیم چند تا ماشین‌های آفرود اوکی کردیم و مجوزشو از کلوپ SAFARI استان اصفهان به عنوان اولین نماینده کلوپ SAFARI شهرستان گرفتیم

طرح توجیهی مجموعه تون چیه؟

ما بالغ بر ۲۰ نفر کارآفرینی داریم چه بشت کافه رستورانمون و اقامتیمون و چه بشت آفرودمون و صنایع دستی‌مون و به کارآفرینی دیگه‌ای هم کردیم بشت میناکاری هست که میبینید اینا کار دستان هنرمند بانوان شهر خودمونه که این گروه تو جشنواره مشهور نمونه شدن. و یکی از برنامه‌هایی که آینده داریم اینه که انشالله بتونیم بشت گلاب‌گیری و عرقیات رو تو مجموعهمون راه اندازی کنیم



در مورد بادگیر توضیح بدید

خب اینجا معماری قاجاریه بوده و زمان پهلوی وقتی تفریب میشه این مجموعه میمونه که دو تا بادگیر داشته و بادگیرها به فصلتی که داشتن اینه که زیر هر بادگیر زمان قدیم به تشت مسی پر آب میزاشتن که این ورودی و فروبی هوا اون مجموعه رو فنک می‌کرده و بادگیرها شکل‌های مختلفی داره که هر کدوم بر حسب ارتفاع و جهت باد طراحی و اجرا می‌شه و نحوه کارکردش هم به این صورته که باد پس از برخورد با سطح فوقانی، به دالان‌هایی هدایت می‌شه که با سطح آب داخل حوض‌خانه برخورد می‌کنه و فضای داخلی اتاق رو فنک می‌کنه و تو مناطق مرطوب، باد فقط از کانال‌های فنک عبور می‌کنه و فضای اتاق رو تهویه می‌کنه و این بادگیر با همت سرکار قائم مهندس فاطمه کربلائی و هنرمندی پدرشون استاد رحمت کربلائی امیا شد



از چیزی کله مند هستیر؟!

یکی از ایراد های گردشگری شهرمون اینه که ما کلا ۵ تا ۶ تا مکان تاریخی بیشتر نداریم مثل حمام نوغه فونه مقوق الروله یا پرستشگاه آدینه و موزه عروسکها فب من صرفاً به عنوان یک اقامتگاه نمی تونم مجموعه ام رو بپرفونم تا زمانی که اینها مکمل های من نباشن؛ زمانی که همه یک زنجیره بشیم قاعدتاً می شه نتیجه گرفت ولی اگر قرار باشه مثلاً حمام نوغه، اون زمانی که توریست میار بسته باشه فب طرح من ناقص می شه، بالاخره من به عنوان مجموعه عمارت سرهنگ دارم رو یک سری پتانسیل های گردشگری شهرمون مانور میدم و مثلاً میگم من اینو دارم و شما باید اینجا این اتفاقات بیوفته ولی فب متاسفانه یکی از ایرادات شهر اینه که امکان تاریخیش روزهای پر بازدید سال که بالاخره گردشگر وارد شهرمون می شه متاسفانه بسته ست یا تو بحث کویر متین آبار که فوشبفتانه کمپی هم ایبار شده ولی فب حالت کاملاً انحصاریه یعنی ایام تعطیلات اگه مهمون داشته باشیم ما متاسفانه نمیتونیم بریم و بازدید کنیم



برای این طرح درخواستی هم دارید؟!

بله تو به درخواست خود آقای بفسار من به طریقی رو برای کویر متین آبار و بحث امکان اینجا دارم که متاسفانه نتیجه نگرفتم

فیلی ممنون که درخواست ما رو قبول کردید، باعث افتخار ما بود که با شما گفتوگویی داشته باشیم، اگه حرف دیگه ای دارید بفرمایید که بیشتر از این وقتتونو بگیریم

منم از شما ممنونم که عمارت ما رو انتخاب کردید و تشریف آوردید

حرف آخر من اینه که چه فوب بود که مسئولینمون به تدبیری می کردند که کویر متین آبار مراقل امکانات پتانسیل گردشگری رو اونجا قرار بدن که بتونیم به نتیجه ی فوب بگیریم که مطمئنم این اتفاق اگه بیوفته نه تنها در مجموعه عمارت سرهنگ بلکه برای شهر فیلی فوبه و در آخر از شما و نشریتون سپاس گزارم و امیدوارم هم شما نتیجه ی زحماتون رو بگیرید و هم باعث رونق و پیشرفت شهر بشید.

اینم از مصاحبمون با جناب آقای رحیمی نیا

امیدوارم دفعه بعدی که می فواید به مسافرت برید، شهر بارود رو انتخاب کنید؛ البته ناگفته نمونه که مکان های دیدنی شهر بارود بیشتر از اون مکان هایی هستن که ما معرفی کردیم و حتی در شهرها و روستاهای اطراف بارود هم بسیار مکان های تاریخی فوق العاده ای اعم از مسجده آدینه، دیاوا، قلعه کرساهی، کمپ متین آبار و... هستن که بهتون پیشنهاد می کنم هتما از اونها بازدید کنید.

و در پایان اضافه کنم که گویش مردم بارود "گویش بادی" است که از دسته زبان های ایران مرکزیه که ریشه در پارسی

پهلوی اشکانی داره

ممهصول مهم این شهر انار هست که به قارج از کشور هم صادر می شه و بعد از انار، میوه هایی مثل انجیر، انگور، سیب فیار،

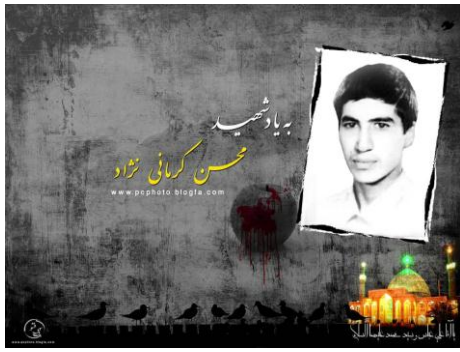
طالبی و فربزه هم تولید می کنن

و از بازی های معروف این شهر "هفت سنگ، یک قل دو قل، گندم گل گندم، مورچه گزید، هوو دارم هوو، بشکن بشکن،

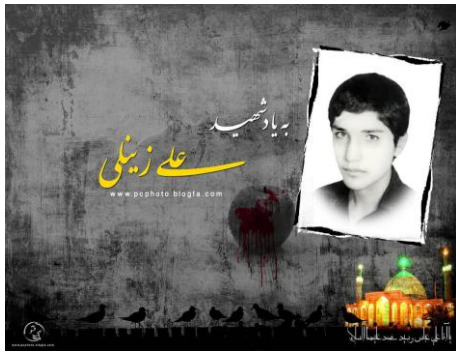
پنجره، طاق یا بفت، پر و پوچ، دوازده سوک، قاله رو رو سوک، سه سوک، دوده فروس و ... هستن.

معرفی خدشدهاء بادرود

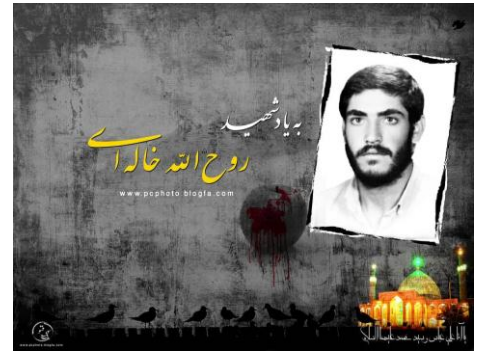
مکان چه پیمان بادرود



تاریخ تولد: ۱۳۳۵
تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۵/۱۱
محل تولد: بادرود
محل شهادت: حلبچه
مزار شهید: گلزار شهدهاء بادرود

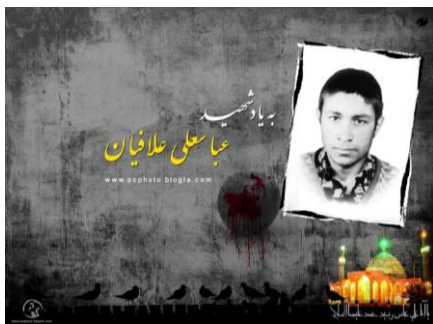
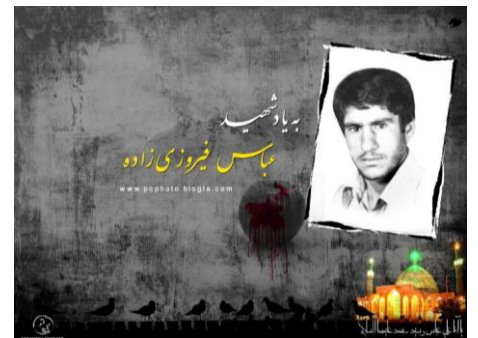


تاریخ تولد: ۱۳۴۲
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۵/۲
محل تولد: بادرود
محل شهادت: عراق
مزار شهید: گلزار شهدهاء بادرود

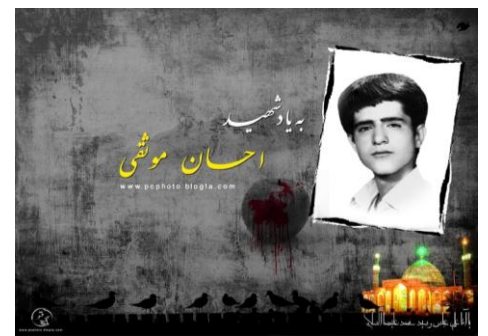


تاریخ تولد: ۱۳۴۳
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۹/۱
محل تولد: بادرود
محل شهادت(مفقودی): زبیدات
مزار یاد بود: شهدهای گمنام آقا علی عباس(ع) و سید محمد(ع)

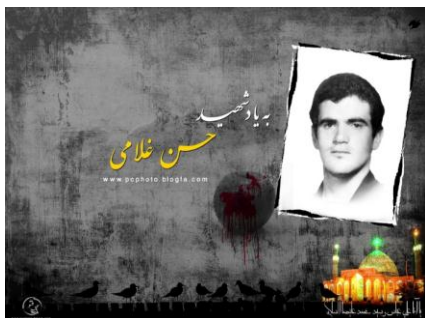
تاریخ تولد: ۱۳۴۲
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۲/۲۰
محل تولد: بادرود
محل شهادت: خرمشهر
مزار یاد بود: گلزار شهدهاء بادرود



تاریخ تولد: ۱۳۴۰
تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۷/۱۶
محل تولد: بادرود
محل شهادت: دهلاویه
مزار شهید: گلزار شهدهاء بادرود



تاریخ تولد: ۱۳۴۳



تاریخ تولد: ۱۳۴۱
تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۸/۱۴
محل تولد: بادرود
محل شهادت: پنجوین
مزار شهید: گلزار شهدهاء بادرود

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۵/۱۰

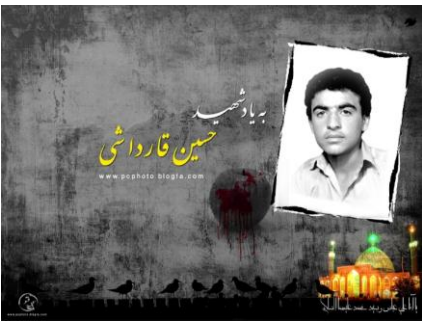
محل تولد: بادرود

محل شهادت: دربندیخان عراق

مزار شهید: گلزار شهدهاء بادرود

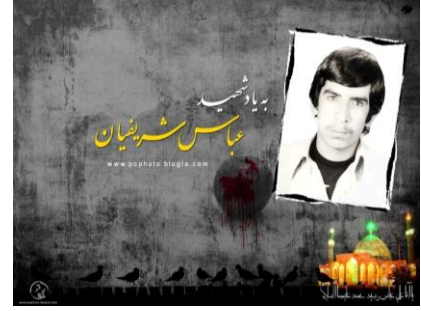
مقام معظم رهبری می فرمایند: شهادت بدین معنا است

که یک انسان برترین و محبوبترین سرمایه‌ی خویش را نثار آرمانی سازد که معتقد است زنده ماندن و بارور شدن آن، به سوی بشریت است

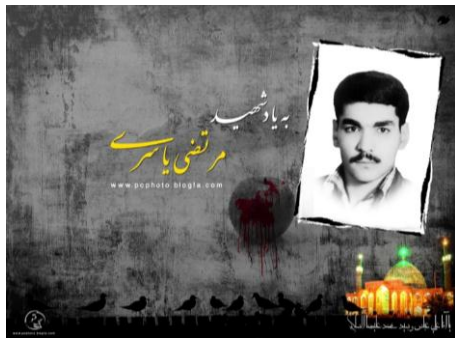


تاریخ تولد: ۱۳۴۶
 تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۹/۱
 محل تولد: بادرود
 محل شهادت: زبیدات
 مزار شهید: گلزار شهداء بادرود

تاریخ تولد: ۱۳۴۰
 تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۹/۱
 محل تولد: بادرود
 محل شهادت: زبیدات
 مزار شهید: گلزار شهداء بادرود

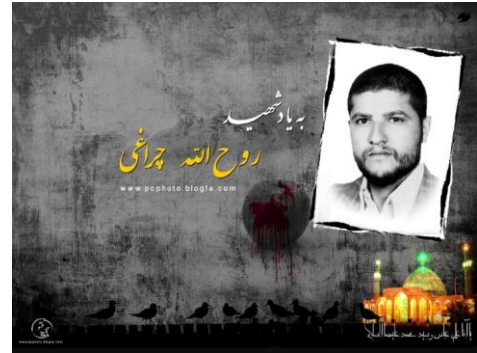


تاریخ تولد: ۱۳۴۶
 تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۲۵
 محل تولد: بادرود
 محل شهادت: شلمچه
 مزار یاد بود: گلزار شهداء بادرود

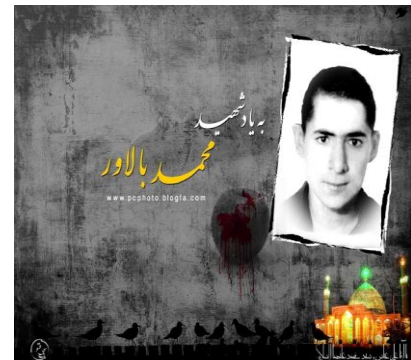


تاریخ تولد: ۱۳۳۹
 تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۳/۱۶
 محل تولد: کاشان
 محل شهادت: مریوان
 مزار شهید: گلزار شهداء بادرود

تاریخ تولد: ۱۳۳۸
 تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۵/۸
 محل تولد: بادرود
 محل شهادت: محور کوشک
 مزار شهید: گلزار شهداء بادرود



تاریخ تولد: ۱۳۴۳
 تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۹/۱۱
 محل تولد: بادرود
 محل شهادت: زبیدات
 مزار شهید: گلزار شهداء بادرود



سلام بر آن‌هایی که از نفس افتادند
 تا ما از نفس نیوفتیم
 قامت راست کردند
 تا ما قامت خم نکنیم
 به خاک افتادند
 تا ما به خاک نیوفتیم
 سلام بر آن‌هایی که رفتند تا بمانند
 و نماندند تا بمیرند
 سلام بر شهداء

شهید محمود داودی نژاد
 تاریخ تولد: ۱۳۴۷
 تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۲۵
 محل تولد: سرحد آباد کرج
 محل شهادت: حلبچه
 مزار شهید: روستای ده‌آباد



بازدید از منزل شهید محمود داودی نژاد در روستای ده‌آباد



* إِنَّمَا نُنْعَمُكُمْ بِوَفِيهِ اللَّهُ لَا نُزِيدُ مِنْكُمْ فِرَآءَ وَلَا نُكْفِرُكُمْ (انسان/۹)

ما فقط برای رضای خدا به شما غذا می دهیم و پاداش و اجری نمی فوایم.

بشر دوستی – Humanity

نوفت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر که با ایده کمک بی طرفانه به مبروهان جنگی شکل گرفت. با پشتوانه ملی و بین المللی خود تلاش می کند تا رنج را در هر کجای جهان التیام بخشد و از آن جلوگیری کند. هدف نوفت، محافظت از جان و سلامتی نوع بشر و تضمین کرامت آن است. نوفت درک متقابل، دوستی، همکاری و صلح پایدار را در میان ملت ها ترویج می کند.

* جمعیت هلال احمر برای نجات جان و سلامت همه انسان ها تلاش می کند.

* وَمَنْ أَفْيَاهَا فَكُلَّمَا أَفْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (بقره/۲۱۳)

هر کس جان یک نفر را نجات دهد مثل این است که جان همه انسان ها را نجات داده است.

یگانگی – Unity

در یک کشور، تنها یک جمعیت صلیب سرخ و یا هلال احمر می تواند وجود داشته باشد. این جامعه باید برای استفاده عموم باشد. این جامعه باید فعالیت های انسان دوستانه را در سرزمین خود انجام دهد.

* هر کشور فقط یک جمعیت هلال احمر می تواند داشته باشد.

* وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران/۱۰۳)

همگی به ریسمان فراوند چنگ بزنید و به راههای متفرق نروید.

جهان شمولی – Universality

همه جمعیت ها در نوفت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر از موقعیت یکسان برخوردارند و مسئولیت ها و وظایف یکسانی را در کمک به یکدیگر دارند.

* جمعیت های هلال احمر همه جهان در زمان حادثه به هم کمک می کنند.

* تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى (مائده/۲)

به یکدیگر در نیکوکاری و تقوی کمک کنید.

بی غرضی – Impartiality

نوفت هیچ گونه جهت گیری نسبت به ملیت، نژاد، عقیده مذهبی، طبقه یا عقاید سیاسی ندارد. نوفت تلاش می کند تا با توجه به نیاز افراد، رنج ایشان را التیام بخشد و موارد حیاتی تر را ترجیح دهد.

* جمعیت هلال احمر در زمان حادثه بدون توجه به نژاد و ملیت به همه انسان های صدمه دیده کمک می کند.

* كَانِ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً (بقره/۲۱۳) ، مردم امت واحد هستند.

بی طرفی – Neutrality

به منظور بهره بردن از اطمینان همگانی، نوفت در درگیری ها از هیچ طرفی جانبداری نمی کند و در هیچ زمانی در مناقشه های سیاسی، نژادی، مذهبی و یا ایدئولوژی شرکت نفاهد کرد.

* جمعیت هلال احمر در دعوای قومی و نژادی، به صورت بی طرف فقط به مبروهین و آسیب دیدگان کمک می کند.

* وَكَذَلِكَ بَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا (بقره/۱۴۳) ، و این چنین شما را امت

میانه قرار دادیم

استقلال – Independence

نوفت مستقل است. نمایندگان ملی ضمن آن که در خدمت انسان دوستانه دولت های خود نقش کمکی را ایفا فوهند کرد و منطبق با قوانین کشور متبوع خود فوهد بود باید همواره استقلال خود را حفظ کنند تا بتوانند منطبق با اصول نوفت عمل کنند.

* جمعیت هلال احمر ایران مستقل و وابسته به هیچ کشوری نیست و کاملاً مردمی می باشد.

* شَجَرَةٌ مَبْرُكَةٌ زَيْتُونَةٌ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ (نور/۳۵)

درخت مبارک زیتون که نه شرقی و نه غربی است.

خدمت داوطلبانه – Voluntary Services

خدمت در نوفت داوطلبانه است و در هیچ شرایطی سودآوری مشوق آن فوهد بود.

* جمعیت هلال احمر برای کمک به انسان ها و نجات جان آنان

پاداش و حقوقی دریافت نمی کند

✓ یک نکته مهم: همانطور که ملاحظه نمودید هفت اصل فوق بعنوان اصول اساسی نوفت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر در همه کشورهای عضو این نوفت و از جمله ایران پذیرفته شده و مورد احترام است.

فراموش نکنیم که جمعیت هلال احمر بر اساس اساسنامه خود، تابع قوانین رسمی و جاری جمهوری اسلامی ایران از جمله قانون اساسی است. در قانون اساسی، دین اسلام و مذهب تشیع بعنوان محور و پایه ی همه ی قوانین مطرح شده است. و دین اسلام بعنوان نسفه ی نبات بشریت در همه ی تاریخ و برای همیشه ی انسان می باشد و در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی دارای قانون و دستور می باشد. جمعیت هلال احمر نیز در این نظام مقدس از این قاعده ی کلی و مترقی استثناء نفواهد بود.

از سویی تعریف درست اصولی و اهدافی همچون بی طرفی و بی غرضی آن است که در هنگام حوادث و بلایا که جان انسان های بی گناه و در مانده به مفاطره افتاده است، بدون توجه به نژاد، مذهب و ... به آنان کمک رسانی شود، همان موضوعی که تاکنون نیز اتفاق می افتاده است، اما معنی آن این نیست که در مقابل ظلم، بی نایب، تجاوز، بی عدالتی و مظاهر ستم و فوڈکامگی نیز سر تعظیم فرود آورد و حتی با بیان و اقدام، بعضی مواقع همراهی هم نمود.

ما بی طرفیم، اما به اصول دینی خود که همان دوستی با مؤمنان و دشمنی با ظالمان هست، از بن دندان پایبندیم. ما بی غرضیم، اما بی غرضی ما سبب نمی شود که در برابر ظلمی که بر مردم مظلوم غزه، فلسطین و سایر کشورهای اسلامی می شود و بر اساس همه ی قوانین انسانی و بشری معلوم است، ساکت بنشینیم و کمک هم نکنیم. در موضوع استقلال نیز، باید پذیرفت که تلاش جمعیت هلال احمر در همه ی دنیا آن است که وابستگی های مالی خود به دولت را از محل کمک های مردمی، اعانات، وقف و ... کم نماید. به عبارتی جمعیت تلاش نماید که متکی به دولت نباشد اما باید پذیرفت که همراهی و همدلی دولت نقش اصلی در موفقیت مأموریت های جمعیت های ملی دارد. چنانچه یکی از عوامل اصلی به رسمیت شناختن جمعیت های ملی توسط فدراسیون بین المللی نیز، مشروعیت و حمایت رسمی دولت آن کشور از جمعیت ملی می باشد.

گروه ها و واحدهای سازمانی در قالب کانون های اجتماعی دانشجویی برنامه ریزی جهت آموزش دانشجویان به منظور تحقق هدف های اجتماعی سازمانی و دانشگاهی و آماده نمودن آنان جهت شرکت در فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و خدمات عام المنفعه و سایر برنامه های سازمان

انتخاب و آموزش مربیان از بین کارکنان علاقه مند دانشگاه ها بر اساس برنامه آموزشی سازمان

ارائه خدمات اجتماعی به دانشجویان نیازمند و آسیب دیده در پارچوب اهداف و برنامه های سازمان کوشش در جهت شناساندن و معرفی هدف ها و فعالیت های جمعیت هلال احمر با مشارکت دانشگاه ها به جامعه و جلب همکاری مردم و نهادها در جهت تحقق اهداف و برنامه های سازمان برنامہ ریزی و اجرای طرح های مشترک علمی و پژوهشی به منظور تعیین هدف ها و برنامه های سازمان هلال احمر با توجه به تمولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی.

ایجاد شرایط لازم جهت انتقال تجربیات و بازدیدهای علمی و امکان سنجی و برگزاری دوره های کارآموزی دانشجویان در مراکز تابع جمعیت هلال احمر

همکاری در قالب فعالیت های منطقه ای و جهانی

همکاری متقابل در طراحی و برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی به منظور نهادینه کردن مفاهیم والای الهی و انسانی مورد نظر سازمان هلال احمر در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی بررسی و برنامه ریزی برای استفادۀ مطلوب از توانایی ها و مهارت های دانشجویی در گسترش فرهنگ صلح، تفاهم و دیگر ارزش های انسانی.

مشارکت دو جانبه دانشگاه آزاد اسلامی و سازمان هلال احمر در انجام پروژه های تحقیقاتی پژوهشی و تالیف کتب و مجلات علمی، انتخاب عناوین پایان نامه های دانشجویی در سطوح کارشناسی ارشد و دکترا در راستای اولویت های مورد نظر جمعیت هلال احمر و برگزاری کنفرانس های علمی پژوهشی مشترک.

کانون دانشجویی هلال احمر

ماه سلامت

وظایف کانون های دانشجویی:

عفوگیری از بین دانشجویان داوطلب و تشکلن مودن آن ها در

سلام

یکی از مشکلاتی که خیلی از دانشجویان دارند، وارد نکردن نمرات توسط اساتید بود که حتی بعضی از اساتید بعد از حذف و اضافه هم نمرات رو وارد نکرده بودند و دانشجویان بلا تکلیف موندند
مشکل بعدی ارائه دروس محدود برای انتخاب واحد و حذف و اضافه بود که خیلی از دانشجویان ترم آخر نتوانستند دروس رو بردارن و این باعث شد یک ترم عقب بیوفتن

سلام

یکی از مشکلات بزرگ دانشگاه اینه که بعضی از اساتید واقعا زمان امتحانات رو خیلی کم داده بودند و سوالات رو خیلی سخت طرح کرده بودند جووری زمان امتحان و سطح امتحان اصلا باهم جور در نمیومد و خیلی از دانشجویان حتی نرسیدند سوالات رو بخونن و زمان تموم شد و حتی اساتید هیچ ارفاقی به نمرات نکردند، واقعا انصاف نیست

با سلام

بنده یکی از دانشجویان دانشگاه هستم
یکی از مشکلات ما دانشجویان که اخیراً خیلی درگیر بودیم، مشکل سایت آموزشیاره که هم زمان انتخاب واحد و هم بعد از انتخاب واحد ما رو با مشکلات زیادی رو به رو کرد
زمان انتخاب واحد خیلی از دروس ارائه نشده بودند و بعضی از دروس که ارائه شده بودند قابل برداشت نبودند و این مسئله هم ما رو اذیت کرد و هم مسئولین دانشگاه رو
و حتی زمان حذف و اضافه خیلی از دروس هنوز ارائه نشده بودند و تعداد زیادی از دانشجویان که معدل الف یا ممتاز بودند حداکثر ۲۰ واحد و حتی کمتر تونستند انتخاب کنند
و مشکل بعدی اینکه هنوزم با وجود اینکه چند هفته از زمان انتخاب واحد و حتی ورود به کلاسها گذشته ولی هنوز اسم بعضی از اساتید و زمان تشکیل دروس انتخابیمون تو سامانه وجود نداره و خیلی از کلاسها رو به دلیل خرابی سایت تشکیل نشده

سلام

یکی از ایرادات اطلاع رسانی و فرق گذاشتن بین دانشجویانه چرا فقط به بعضی از دانشجویان اطلاع میدن که یکی از دروسشون استاد موافقت کردن دوباره ازشون امتحان بگیرن؟!
پس بقیه که اعتراض دارن چی؟!
چرا تعداد خاصی باید امتحان بدن؟!
مگه ما دانشجویان دانشگاه نیستیم؟!
ماهایی که تو دانشگاهیم و کلی هزینه کردیم دستمون به هیچجا بند نیس و فقط به تعداد خاصی از دانشجویان بها داده می شه

با سلام

یه فکری به حال دروس عمومی بکنید؛ امتحانای دروس عمومی از دروس تخصصی خیلی سخترن، درس عمومی برداشتیم معدلمونو بهتر کنه ولی برعکس بدتر کرده، واقعا انصاف نیست درس تخصصی بشیم ۱۹ و ۲۰ ولی درس عمومی

۱۰ و ۱۲ شدیم،
خواهش اساتید
یکم با ما راه بیان

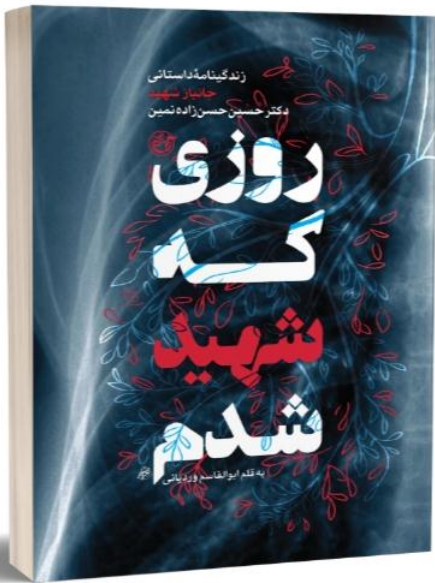
با عرض سلام

دانشجویان عزیز لطفا انتقادات، پیشنهادات و دیدگاههای خودتون رو در خصوص مسائل روزمره دانشگاه به آیدی تلگرامی مدیر مسئول نشریه http://t.me/zohre_karbalaei " ارسال نمایند تا ما اون رو به واسطه نشریه خودتون (کلام دانشجوی) به سمع و نظر مسئولین دانشگاه برسونیم
✓ مطالب ارسالی شما در نشریه کلام دانشجوی ذکر خواهد شد

سلام

بعضی از اساتید دوبار از دانشجویان امتحان گرفتند و هنوز که چند هفته از امتحان دوم، حذف و اضافه و شروع کلاسها گذشته نمرات رو وارد نکردند، خواهشا پیگیری کنید، اگه نمیخواستند نمرات رو تغییر بدن چرا دوباره امتحان گرفتند؟!

معرفی کتاب



کتاب "روزی که شهید شدم" تاریخ شفاهی زندگی با برکت در عین حال پرنج شهید حسین حسن‌زاده و روایت شهادت اولشان از زبان خود ایشان و به قلم ابوالقاسم وردیانی است.

گزیده

اگر حالم بد باشد، بهشت زهرا هم نمی‌روم و اگر حالم خیلی بد باشد، دعای ندبه را هم توی خانه می‌خوانم. وقتی می‌روم بهشت زهرا، نمی‌توانم وارد قطعه‌ی شهدا بشوم. یاد یارانی که رفتند و فکر این که چرا من ماندم، حالم را خراب می‌کند. همان نزدیکی می‌ایستم و فاتحه می‌خوانم. گاهی هم می‌روم قبرستان "چیدر" و امامزاده علی‌اکبر، هم‌محلی‌ها و هم‌بازی‌های دوران کودکی‌ام شهیدان خاتمی، خرّمی، عطاری، مقدم، بختیاری، منتظری و چند نفر دیگر همه توی امامزاده علی‌اکبر هستند. دیدارشان حالم را بهتر می‌کند. گاهی از من میپرسند:

چرا برای تجدید قوا به آمریکا نمی‌ری و مدتی پیش پدر و مادرت نمی‌مونی؟
می‌گویم:

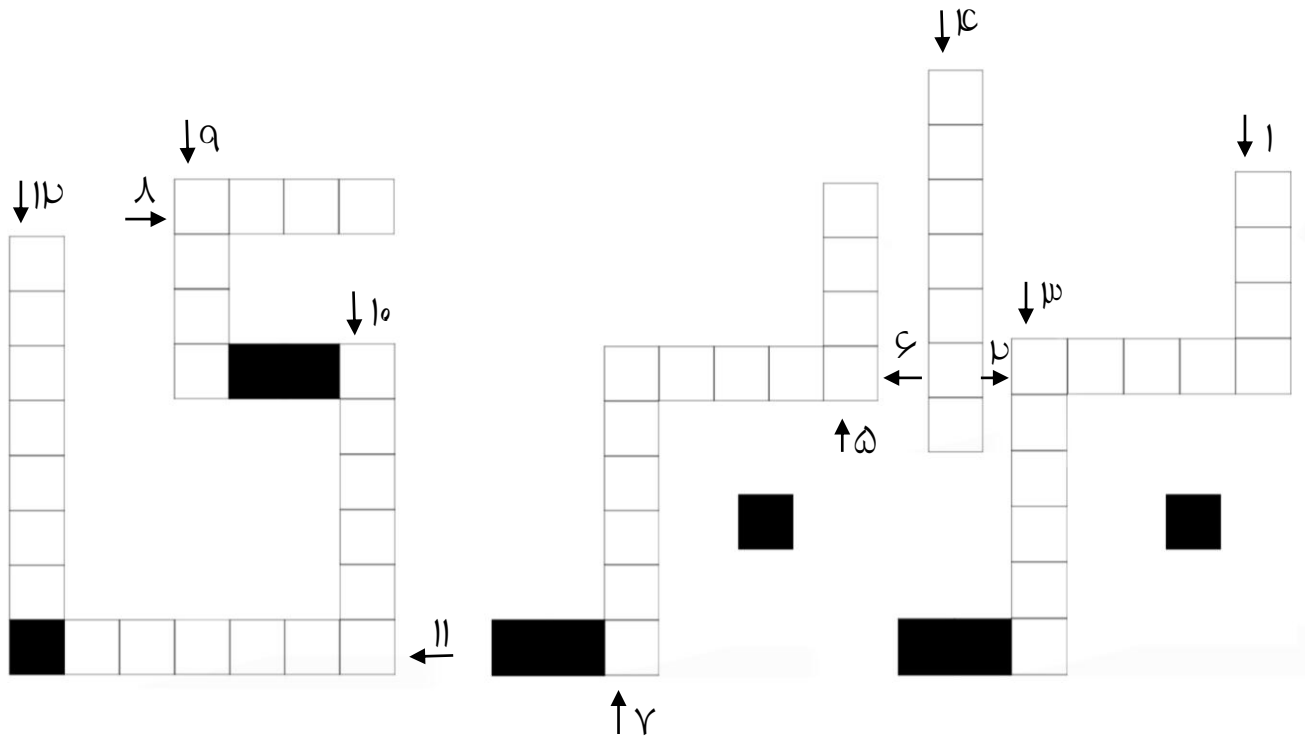
من همین جا و در کنار مردم خودم، توی خیابان هاشمی و خوش و توی درمانگاه تجدید قوا می‌کنم. دوست دارم همین جا بمیرم و همین جا، کنار دوستان و هم‌رزمای شهیدم و توی خاک کشور خودم دفن بشم...

ماجرای "پنجره چوبی" یک عاشقانه انقلابی است. یک عشق و عاشقی وسط حادثه! دل و دلبری در وسط میدان جنگ! عشق یک مفهوم سانتی مانتال نیست. الزاماً برای عاشق شدن و عاشق بودن قرار نیست یک با آدم احساساتی طرف باشیم که همیشه عقلش تابع احساساتش باشد. همیشه قرار نیست تصویر عشق در ساحل دریا و در دست در دست معشوق، قدم زنان روی ماسه‌های ساحل تعریف شود!

داستان بلند "پنجره چوبی" از وقایع تاریخی پیش از انقلاب آغاز می‌شود و در ادامه به روایت دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌پردازد و ماجرای آن تا سال ۶۵ ادامه پیدا می‌کند. تمام این وقایع در قالب یک داستان عاشقانه و تاثیری که انقلاب بر افراد می‌گذارد بیان شده است. قصه به سرگذشت دختری در قبل از انقلاب باز می‌گردد که به پسری علاقه‌مند می‌شود که آن پسر از مبارزین و انقلابیون است و این علاقه وی را به جریان مبارزات سوق داده و همراه و هم‌پای پسر می‌ایستد.



مسابقه ه مسابقه ه



**مسابقه‌ی دوم: به اولین نفری که
جمله‌ی پایین عکس صفحه‌ی اول
را، به طور کاملاً صحیح برای ما
ارسال کنند جایزه تعلق می‌گیرد.**

- ۱- نخستین جایی که برابری جنسیتی باد از آن‌جا شروع شود
- ۲- زنی که هیچ‌گونه مزاحمتی را بر نمی‌تابد است
- ۳- پیوند مقدسی که هدف نهایی آن رسیدن به آرامش است
- ۴- ایرانی‌ترین سردار
- ۵- زنی که طلاق گرفته است
- ۶- مرد یا زنی که به کسی جز همسر خود کسی نگاه نمی‌کنند، هستند
- ۷- فیلمی که به یکی از حقوقی که از زنان سلب شده اشاره دارد
- ۸- زنی که حقوقش را بخواهد است
- ۹- اگر کسی زیاد از حد می‌نوازد است
- ۱۰- زنی که بلند می‌فندد است
- ۱۱- جنسیت ندارد
- ۱۲- یکی از سه دانشجوی شهید در ۱۶ آذر

**دانشجویان عزیز لطفا جواب مسابقه رو به آیدی تلگرامی زیر
ارسال فرمایید**

http://t.me/zohre_karbalaei

به سه نفر از عزیزان به قید قرعه جوایز اهدا می‌شود



و چه بسیار نرسانی که می گویند " من به تنهایی نمی توانم دنیا را تغییر دهم "

به تنهایی نمی توانم دنیا را تغییر بدهم، اما
می توانم سنگی را به آب بیندازم تا
موج های بسیار خلق کند.

دوستان عزیز به پایان نشریه رسیدیم، مرسی که وقت گذاشتین امیدوارم که مطالب براتون مفید بوده باشه
فوشمال می شیم پیشنهادات، انتقادات و نظرات تون رو با ما در میون بزارید تا ما از دیدگاه شما در نشریه های بعدیمون
استفاده کنیم

امیدواریم که سالی پر از اتفاقات قشنگ در کنار عزیزانتون داشته باشید و امیدواریم همونمور که بهار یک نقطه داره، نقطه
آغاز بهار زندگیتون بی انتها باشه
و یادمون نره پایان فصل سرد، همیشه سبزه

فوشمال می شیم به کانال تلگرامی ما بپیوندید

http://t.me/nashrie_kalame_daneshjoo

از لفظی فدا مافظی می شود

صدها رمان نوشت

که فقط همین کلمه را تا آخرین صفحه اش تکرار کرد

صدها فیلم بلند سینمایی سافت که همان یک سکانس را بارها

گریه کرد

تا شماره نشریه بعدیمون

شما رو به فدای بزرگ می سپاریم

دو قدم مانده به فنیدن برگ

یک نفس مانده به ذوق گل سرخ

پشم در چشم بهاری دیگر

تمه ای یافت نکردم که کنم هدیه تان

یک سبد عاطفه دارم

همه ارزانی تان

خورشید درفشان است

تابستان کم رنگ

و زمستان در سایه

و این یعنی

بهاری دیگر در راه است

سال نو مبارک

در آغاز سال، قول دهیم

با همدیگر در سال جدید

با یاری هم

منظری زیبا

و زندگی فاطره انگیز

فلق کنیم

فرا حوض تکثیر فرمت‌ها اتفاق عمیو فتتر سما جا لقا آن‌ها هستیر